

به نام خداوند جان و خرد

تاریخچه مختصر حزب پان ایرانیست

«بنیاد گرفته بر مکتب پان ایرانیسم»

گردآورنده:

دکتر سهراب اعظم زنگنه

عضو شورای عالی رهبری

حزب پان ایرانیست

آبان ماه ۱۳۸۹

به نام خداوند جان و خرد

پاینده ایران

«نگاهی گذرا به تاریخچه نهضت، مکتب و حزب پان ایرانیست»

نخستین جرقه‌های نهضت پان ایرانیسم در قرن^۱ اخیر در هشتم شهریور ماه ۱۳۲۰ در تهران و در محله پل چوبی و سر کوچه آسیاب بادی در نزدیکی پادگان عشرت آباد و حوالی میدان فوزیه (میدان شهنواز بعدی و میدان امام حسین کنونی) زده شد و این هنگامی بود که به دنبال یورش اهریمن (در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰) به سرزمین مقدس ایران و در حالی که دولت ایران نسبت به طرفین درگیر در جنگ بین‌الملل دوم اعلام بی‌طرفی کرده بود توسط ارتش‌های استعمارگران روسی، انگلیسی و آمریکایی میهن ما اشغال شده بود، در آن روز تانک‌های روسی (شوروی) از خیابان‌های تهران عبور می‌کردند که چند نوجوان ایران‌پرست خشمگینانه و با سنگ به تانک‌ها هجوم آوردند، جرقه‌ای که آغازگر نهضت و حرکت عظیم پان ایرانیسم و پان ایرانیست‌ها برای تجدید یگانگی و سربلندی همه اقوام ایرانی ساکن در ایران‌زمین بزرگ و تاریخی گردید. برخی از این نوجوانان عبارت بودند از سرور محسن پزشکی‌پور (پندار)، سرور شهید دکتر محمدرضا عاملی تهرانی (آژیر)، سرور ابوالقاسم پوره‌اشمی، سرور پرویز صفیاری، سرور فرید سپانلو و سرور مهدی بهره‌مند.

۱- این نوجوانان بعدها و پس از ورود به دبیرستان پایه کوشش‌های ایران پرستانه‌ای را نهادند که با نام‌های انجمن ایران‌دوست، جویندگان رستاخیز ملی ایران، نهضت محصلین و ... به همراه گروه‌های دیگری از جوانان میهن‌دوست به مبارزه بر علیه بیگانگان و خائنین پرداختند.

۱. نهضت‌های پان ایرانیستی در همه تاریخ پر فراز و نشیب ملت بزرگ و تاریخی ایران در جلوه‌های گوناگون برای یگانگی و سربلندی ایرانیان به ویژه در هنگامه‌های فترت و تجزیه بروز کرده‌اند.

۲- در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ و همزمان با توطئه روس‌ها و همدستی گروهی وطن‌فروش برای جدایی آذربایجان عزیز، گروهی از این جوانان به پیشگامی سرور محسن پزشکپور (پندار) با تشکیل سازمانی به نام «انجمن» به گونه مخفی و زیرزمینی به مبارزه‌ای فکری و قهرآمیز پرداختند.

۳- سرشناس‌ترین افراد انجمن بعد از سرور محسن پزشکپور که همچنان رهبری نهضت هورایی پان ایرانیسم را به عهده دارند عبارت بودند از: علی نقی عالیخانی، بیژن فروهر، علیرضا رئیس، جواد تقی‌زاده، حسن غفوری، داریوش همایون، هوشنگ حق‌نویس در شاخه نظامی محمدرضا عاملی تهرانی، حسنعلی صارم کلالی و حسین خان مصدق^۱ در سازمان خارجی انجمن.

۴- در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، هنگامی که سرور محسن پزشکپور به اتفاق داریوش همایون^۲ در تپه‌های امیرآباد که امروز خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران است به دنبال نارنجک‌های عمل نکرده و بازمانده در اردوگاه قبلی اشغالگران آمریکایی بودند با انفجار یک مین داریوش همایون مصدوم و توسط سرور پزشکپور به بیمارستان سینا رسانده شد و نجات یافت ولی هنوز هم پای داریوش همایون آن صدمه را از آن دوران به یادگار دارد.

۵- در تاریخ هشتم خرداد ماه ۱۳۲۵ هنگامی که سرور علیرضا رئیس سرگرم آماده کردن نارنجکی در آزمایشگاه کوچک منزلشان برای استفاده علیه بیگانه‌پرستان و عاملان سرشناس کشورهای بیگانه در ایران بود نارنجک منفجر و او به راه ایران شهید می‌گردد. یاد ایثار علیرضا

۱. شادروان سرور حسین خان مصدق (مشهور به سرور مصدقی) از رهروان وفادار، منضبط، ایران‌پرست و پیشکسوت حزب پان ایرانیست که تمامی زندگانی خود را عاشقانه با ایثار و فداکاری و وظیفه‌شناسی مصروف حزب ایرانیست و آرمان‌های پرشکوه پان ایرانیستی نمود.

۲. داریوش همایون بعدها از پان ایرانیست‌ها کناره‌گیری کرد و در دوران نخست‌وزیری هویدا روزنامه آیندگان را منتشر کرد و در کابینه دکتر جمشید آموزگار وزیر اطلاعات و جهانگردی شد و اینک در آمریکا دبیرکل حزب مشروطه ایران است.

رئیس و آرامگاه او در باغ طوطی و در جوار حرم شاه عبدالعظیم حسنی در شهرری همواره از سوی پان ایرانیست‌ها به ویژه در سالروز شهادتش به نام روز رئیس گرامی داشته می‌شود (گفته‌اند که صورتی سیصد نفره از نوکران بیگانه توسط افراد انجمن تهیه گردیده بود).

۶- به دنبال شهادت سرور علیرضا رئیس، علی نقی عالیخانی^۱، بیژن فروهر، عاطفی‌نیا و سیدحسین طبیب به عنوان متهمین ردیف ۱ تا ۴ حدود یکماه بازداشت بودند.

بیژن فروهر مسئول شاخه نظامی (ر) و عاطفی‌نیا و سیدحسین طبیب^۲ همکلاسی‌ها و دوستان نزدیک سرور علیرضا رئیس در سال ششم دبیرستان البرز بودند.

۷- به دنبال شهادت سرور علیرضا رئیس، توسط سرور محسن پزشکیور پیام‌آور نهضت پان ایرانیسم متنی به نام فرمان رئیس نوشته و انتشار می‌یابد که برای اولین بار نام پان ایرانیسم مطرح و نام جنبش ایران پرستانه انجمن را به عنوان پان ایرانیزم (پان ایرانیسم) که یک جنبش سیاسی و با یک آرمان ملی بزرگ یعنی پان ایرانیسم با هدف یگانگی و نیرومندی ایرانیان، است اعلام می‌دارند.

۸- مکتب پان ایرانیسم در روز ۱۵ شهریور ۱۳۲۶ به پیشگامی بزرگ سروران، محسن پزشکیور (پندار)، محمدرضا عاملی تهرانی (آژیر) و ابوالقاسم پوره‌اشمی و تنی چند از

۱. بعدها علی‌نقی عالیخانی دارای درجه دکترای اقتصاد از دانشگاه‌های آمریکا که سال‌ها قبل، از کوشش‌های پان ایرانیستی کناره گرفته بود، ده سال وزیر اقتصاد ایران در کابینه هویدا با منشاء اثر فراوان در اقتصاد و گسترش صنایع ملی و چندین سال ریاست انتصابی دانشگاه تهران (اولین رئیس انتصابی خارج از سیستم انتخابی توسط استادان و قانون استقلال دانشگاه‌ها) را به عهده داشت.

۲. شادروان سرور دکتر سیدحسین طبیب (دندانپزشک) از خانواده‌های محترم سادات و اهل دانش بوشهر، بنیان‌گذار تشکیلات ریشه‌دار و با نفوذ و پا برجای حزب پان ایرانیست در خوزستان که الگو و نمونه همه بزرگان و پیشکسوتان حزبی خوزستان و معلم آنها بودند و بعدها مدتی شهردار انتخابی بوشهر و در مجلس دوره بیست و چهارم نماینده آنان و عضو فراکسیون پان ایرانیست به رهبری و لیدری سرور محسن پزشکیور (پندار) بودند، یاد این اسطوره فنادر آرمان برای همیشه نمونه فکری، علمی، انضباطی و جاودان همه پان ایرانیست‌ها بوده و خواهد بود.

ایران پرستان جوان در کنار نهر کرج (بلوار کشاورز امروز) بنیان‌گذاری و از این تاریخ پان ایرانیست‌ها رسماً پای در راه مبارزات ملی (ناسیونالیستی و پان ایرانیستی) می‌گذارند.

۹- پس از شهادت سرور علیرضا رئیس و نوشته شدن فرمان رئیس^۱ به خامه سرور محسن پزشکیپور، کتاب «ما چه می‌خواهیم» نیز توسط ایشان نگارش می‌یابد.

۱۰- به دنبال بنیان‌گذاری «مکتب پان ایرانیسم» مبارزات پان ایرانیست‌ها در دبیرستان‌ها و دانشگاه تهران گسترش بسیاری می‌یابد و آنها دست به مبارزه آشکار با حزب توده و اندیشه‌های کمونیستی و انترناسیونالیستی آن حزب که علناً مدافع منافع روسیه در ایران بود می‌زنند که

۱. متن فرمان رئیس: ما بنیان‌گذاران انجمن که نخستین پایه‌های ایران‌پرستی را بر روی شانه‌های خود برپا کردیم. امروز در این ساعت به خاطر آنکه انجمن مقدس خود را وارد یک راه تغییرناپذیر و به سوی یک هدف مقدس جاوید رهسپار سازیم و به خاطر آنکه هرگز نگذاریم این شعله‌های آتش وطن‌پرستی که امروز از قلوب ما زبانه می‌کشد خاموش گردد و به خاطر آنکه آرزو و ایده مشترکی را که همگی در قلب داریم تقدیم جامعه ایرانی و مبنای تعلیمات و فلسفه و کلیه عقاید انجمن خویش سازیم، می‌گوییم «پان ایرانیزم» آن آرزوی مقدس است که بر قلوب جملگی حکومت می‌کند. اکنون به خدای خود و به شرافت انجمن خود و به خون نخستین شهید و سرباز فداکار انجمن «علیرضا رئیس» سوگند یاد می‌کنیم که برای همیشه و تا ابد جز پان ایرانیزم برای خود هدف و آرزویی تخصیص ندهیم و ایران را جز به سوی این آینده درخشان و دوست داشتنی نرانیم.

ای آیندگان، ای کسانی که روزی زمام امور در انجمن کنونی ما را در دست می‌گیرید، مردم مبارز! کسانی که برای عظمت ایران به سازمان مقدس ما می‌پیوندید، زمامداران! ای افرادی که بر فرزندان داریوش و سیروس حکومت می‌کنید، ای خواننده عزیز، شاید وقتی که این سطور را می‌خوانی اجساد ما خاک شده باشد، شاید که مکان ما کنج زندان باشد و شاید به جرم وطن‌دوستی آواره کوه و دشت باشیم یا قلوب ما را که کانون آتش ایران‌پرستی است تیرهای جانگداز دشمنان میهن سوراخ سوراخ نموده باشد. اما، از تو می‌خواهیم و به تو می‌گوییم و تو را به اهورا مزدا خدای بزرگ سوگند می‌دهیم که به پاس احترام روح شهدای ایران و به یاد بنیان‌گذاران انجمن و به خاطر عظمت ایران و برای همیشه تو نیز یک آرمان داشته باشی و معتقد به این عقیده گردی «پان ایرانیزم» شاید این آرزو در زمان ما و در دوره تو به حقیقت نپیوندد، اما باشد. تو موظفی ذره‌ای از این اخگر را که در سینه داری در قلوب دیگران و آیندگان وارد کنی تا سینه به سینه بگردد و خاموش نشود و مطمئن باش روزی می‌رسد که این آتش پلیدی‌ها را بسوزاند و جز پاکی چیزی بر جای نگذارد. تا آن روز این وصیت ما است.

شما هاله سیاه را از دور پرچم ایران برنگیرید. این هاله نشانه عزاداری و ماتم ما است تا وقتی که به هدف مقدس خود نرسیده تا زمانی که عظمت ایران را اعاده ننموده‌اید. شما را به ناموس وطن سوگند این هاله را برنگیرید و نعره‌کشان بگویید: به پیش برای محو این هاله «سیاه» به پیش برای روز تاریخی و مقدس، آن روز سعادت بار فرخ‌بخش، آن روز برای نخستین بار پرچم ۳ رنگ ما بدون هاله سیاه در دست جوانان فداکار و سربازان غیور انجمن در اهتزاز خواهد بود. هم‌وطنان: درود بر شما و شهدای ایران، درود بر قهرمان پیشاهنگ راه آزادی ایران، علیرضا رئیس، ایران را به شما می‌سپاریم و شما را به اهورا مزدا!!

شرح همه آن قهرمانی‌های جوانان پان ایرانیست بسیار شکوهمند و دلپذیر بوده و مثنوی هفتاد من کاغذ شود و نیاز به بررسی جداگانه دارد.

۱۱- کتاب «ما چه می‌خواهیم» توسط سرور محسن پزشکپور پندار، و کتاب گرانقدر «بنیاد مکتب پان ایرانیسم» توسط سرور محسن پزشکپور، سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی و دکتر علی‌نقی عالیخانی در فروردین ماه ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ چاپ و منتشر می‌گردند.

۱۲- در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ روزنامه ساسانی به مدیریت شادروان صادق بهداد ناشر اندیشه‌ها و افکار پان ایرانیست‌ها و ارگان «مکتب پان ایرانیسم» بود.

۱۳- غیر از بنیان‌گذاران انجمن و مکتب پان ایرانیسم برخی دیگر از همراهان ایشان که در آن سال‌ها در مکتب به کوشش می‌پرداختند عبارت بودند از:

سروران دکتر سید حسین طبیب، مهدی صدیقی، منوچهر تیمسار، محمد مهرداد، هوشنگ آق بیاتی، مهرداد سالور، علی محمد لشگری، دکتر علاءالدین خطیر^۱، مهین ارژنگی، مهوش سرخوش، سرور محمدعلی زرشکی^۲، سرور دکتر تقی کبریت ساز توکلی^۳، سرور رحمت‌الله قاسمی، کنعانی مقدم، حسن کامبخش، دکتر فضل‌الله صدر،

۱. سرور دکتر علاءالدین خطیر جراح پلاستیک و ریاست بیمارستان مدائن و از وفاداران به آرمان پان ایرانیسم و رهبر فرزانه نهضت پان ایرانیسم.

۲. شادروان سرور محمدعلی زرشکی، ایثارگر، مبارز و عاشق ایران و بنیان‌گذار تشکیلات و کوشش‌های پان ایرانیستی در قزوین که خاطره فداکاری‌ها و مبارزات خونین او با عوامل بیگانه‌پرست حزب توده و تجزیه‌طلبان و نفوذ شوروی‌ها از جمله گنجینه‌های خاطرات حزب پان ایرانیست است، در ضمن به همت ایشان بود که نخستین تظاهرات و میتینگ حزب پان ایرانیست در کشور با حضور سروران پزشکپور و دکتر عاملی تهرانی در قزوین برگزار گردید و هم اینک استان قزوین یکی از پایگاه‌های استوار و پر نفوذ اندیشه‌های پان ایرانیستی است و از جمله شعارهای جالب آنها در آن هنگامه‌ها «نان، نان سنگک، آب، آب چشمه و حزب، حزب، پان ایرانیست بود (یعنی هر چیزی اسیلش خوب است).

۳. سرور دکتر تقی کبریت ساز توکلی بعدها در کابینه دکتر جمشید آموزگار وزیر نیرو شد.

داریوش فروهر^۱، اسداله حقدادی^۲، دکتر عبدالله افسر پور^۳، دکتر منوچهر آدمیت^۴، شهربانو یاوند^۵، جلال پسیان^۶، و محمد علی معدلت^۷،

۱۴ - در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۳۰ (حزب پان ایرانیست) به پیشگامی سرور محسن پزشکپور (پندار) پایه گذاری گردید (حزب پان ایرانیست بنیاد گرفته بر مکتب پان ایرانیسم) و روزنامه (ندای پان ایرانیسم) از چهارم دی ماه ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سخنگوی آن بود.

^۱ - شادروان شهید سرور داریوش فروهر که بعدها رهبر حزب ملت ایران بر بنیاد مکتب پان ایرانیسم و وزیر کار مهندس بازرگان شد شهادت خونین و جانگداز ایشان و همسر آرمانخواه و پان ایرانیست وی شادروان شهید سرور پروانه فروهر (اسکندری) داغ دلی تلخ و غم انگیز و فراموش نشدنی برای همه رهروان و عاشقان ایران است .
^۲ - شادروان سرور اسداله حقدادی برادر گرامی سرور دکتر عبدالله افسرپور و پدر سرور دکتر حقدادی مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست در تکاب و شاهینژ که مبارزات ایرانخواهانه ایشان با تجزیه طلبان و بیگانه پرستان در خاطره ها است و در اینجا به جاست که یاد یکی از همراهان و همزمانشان سرور هخامنش افشار را نیز گرامی بداریم .

^۳ - شادروان سرور دکتر عبدالله افسرپور جراح عالیقدر و خدمتگذار و فرزند غیور آذربایجان و آغازگر و مسئول تشکیلات حزب در گرگان و دشت و گنبد کاووس و ترکمن صحرا که سال های بسیار خدمات پزشکی و مبارزات ایرانپرستانه ایشان ، به یاد ماندنی است .

^۴ - دکتر منوچهر آدمیت نویسنده و تاریخ نگار و مولف شهیر (کتاب جامع آدمیت) و تألیفات بسیار دیگر
^۵ - شادروان سرور شهربانو باوند ، از پیشگامان برجسته زنان و دختران ایرانپرست پان ایرانیست ، شاعر و نویسنده توانا سخنور برجسته و سرآینده چکامه دل انگیز و زیبایی (عقابان زاگروس) در ستایش از دلاوریان رزمنده کرد آنسوی مرزهای پوشالی
^۶ - شادروان سرور جلال پسیان ، از چهره های فنا در آرمان و پیشگامان سندیکای کارگران دخانیات تهران وابسته به حزب پان ایرانیست که مبارزات و فداکاری هایش در راه ایران و پان ایرانیسم فراموش نشدنی است و در سال های بعد از واقعه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در زادگاهش تبریز به جوار رحمت حق پیوست .

^۷ - شادروان سرور محمد علی معدلت از فداکاران و عاشقان ایران و پان ایرانیسم و از پیشگامان سندیکای لکوموتیو رانان راه آهن وابسته به حزب پان ایرانیست که وفاداری ، ایثار و انضباط تشکیلاتی ایشان همیشه در یادها خواهد ماند .

۱۵- «مکتب پان ایرانیسم» و بعدها حزب پان ایرانیست از آغاز مبارزات ملی و جنبش ملی برای «ملی شدن صنعت نفت» در صف اول مبارزه با بیگانگان و بیگانه‌پرستان قرار داشت و شعار «نفت می‌بایستی در سراسر کشور ملی شود» را طی تظاهرات بزرگی که از دانشگاه تهران آغاز شده بود و تا میدان بهارستان و روبروی مجلس شورای ملی ادامه داشت در مقابل شعار ضد ملی توده‌ای‌ها که «نفت جنوب می‌بایستی ملی شود» مطرح کردند.

۱۶- در جریان تظاهرات ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، شادروان سرور هوشنگ رضیان به شهادت رسید و هم‌اکنون آرامگاه او در ابن بابویه شهرری در کنار سایر کشته شدگان می‌باشد.

۱۷- در همان هنگام هنرمند و موسیقی‌دان شهیر ایران و پان ایرانیست، شادروان سرور حسین ملک که به همراه سرور محسن پزشکیور (پندار) در زندان بود سرود ۳۰ تیر و آهنگ آن را سرود.

۱۸- در سال‌های بین ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۴، شادروان سرور دکتر حیدر رقابی شاعر ملی و پان ایرانیست ترانه مشهور و جاودانه «مرا ببوس» را که با صدای شادروان گل نراقی اجرا شد سرود و متأسفانه مانند همه دروغ‌بافی‌های حزب توده چنان شایع کردند که آن آهنگ و ترانه دل‌انگیز، توسط یکی از افسران اعدامی توده‌ای و خطاب به دخترش سروده شده است.

۱۹- پس از ماجرای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به دلیل جو حاکم بر جامعه آن روز مبارزات حزب به صورت غیرآشکار ادامه یافت ولی در همان زمان‌ها کنگره آرمان‌شناسی حزب پان ایرانیست در خوزستان برگزار گردید و نشریه‌های پندار، نسل جوان در داخل ایران و نیز از سال ۱۳۳۹ «ناسیونالیسم» نشریه دانشجویان پان ایرانیست اروپا منتشر گردیدند که ناشر افکار پان ایرانیستی و حزب پان ایرانیست بودند.

۲۰- در سال ۱۳۴۱ و به هنگام طرح لوایح ششگانه انقلاب سفید شاه و مردم، حزب پان ایرانیست به رهبری سرور محسن پزشکیور و قائم مقامی سرور دکتر محمدرضا عاملی آموزگار

بزرگ ناسیونالیسم ایران ضمن انتشار جزوه‌ای تحت عنوان «نظرات تکمیلی و انتقادی حزب پان ایرانیست در مورد لوایح ششگانه» و با تأکید بر برنامه اصلاحات ارضی و آزادی زنان تنها حزب و تشکیلات ملی بود که در رفراندوم (همه‌پرسی) و تصویب ملی ششم بهمن ۱۳۴۱ و با اعلام عنوان «موافقت مشروط» شرکت و پاسخ آری داد.

در آن جزوه ضمن بررسی لوایح ششگانه مطرح شده به چند نکته اساسی اشاره شده بود: ۱- حزب پان ایرانیست به توانایی و شایستگی و آرمانخواهی حاکمیت و کارگزاران آن برای اجرای اصول اعلام شده اعتقادی ندارد. ۲- ما دچار چنان اگوئیسم (خودخواهی) عقیدتی و تشکیلاتی نیستیم که اعتقاد داشته باشیم کار صحیح و منطبق با مصالح عالیه و منافع ملت بزرگ ایران هنگامی است که صرفاً به دست ما اجرا شده باشد. ۳- ما هرکس و هر حکومتی که یک گام و یا یک صدا در مسیر منافع ملت ایران بردارد و یا بلند نماید، ما آن گام و صدا را تقویت و تأیید می‌کنیم ولی هرگز این شیوه به منزله طرفداری و دفاع از یک شخص و یا حاکمیت نیست و چه بسا که گامی دیگر و صدای بعدی آنها را به طور کامل مردود اعلام خواهیم کرد و معیار تأیید و یا مخالفت ما با یک روش و با یک اظهارنظر صرفاً درستی و صحت آنها در مسیر منافع ملی ملت بزرگ ایران است و هرگز نظریات را به اتکاء ارائه‌کنندگان آنها تأیید یا رد نخواهیم کرد.

۲۱- در سال ۱۳۴۴ حزب پان ایرانیست به دنبال گسترش تشکیلاتی و انجام کوشش‌های آشکار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران‌پرستانه و پان ایرانیستی به انتشار زرین برگ خاک و خون اقدام و از طریق آن روزنامه و اجتماعات و متینگ‌های عظیم در سراسر کشور به آموزش وسیع افکار ناسیونالیستی و پان ایرانیستی و ارائه راهکارها و رهنمودهای ملی برای بهبود سیستم‌های اقتصادی، صنعتی، آموزشی، کشاورزی و نظامی و فرهنگی جامعه ایرانی پرداخت و اندیشه ناسیونالیسم آگاه ایرانی را که ویژه ملت ما و برآمده از تاریخ، اجتماع و فرهنگ درخشان

انسانی ملت بزرگ ایران بود در سطح وسیع توصیف نموده و پیشنهاد داد و در این مسیر شکوهمند زرین برگ خاک و خون به ابزاری روشنگر برای دفاع جانانه از همه وابستگان تاریخی، ملی و فرهنگی ملت بزرگ ایران تبدیل گردید و در آن روزگار علی‌رغم آنکه روزنامه‌خوانی به عادت‌ی همگانی و وسیع تبدیل نشده بود تیراژ خاک و خون به حدود سی هزار نسخه رسید و حزب پان ایرانیست ضمن دفاع از حقوق شهروندی و قانونی همه اقشار جامعه و تلاش برای آشنا کردن همگان به حقوقی که به موجب قانون اساسی داشتند و چه بسا از آنها دریغ می‌شد و به آن ناآگاه بودند در سطحی وسیع اقدام کرد و پیشنهادهای گوناگون ناسیونالیستی برای ارتقاء سطح دخالت مردم در اداره جامعه خود و بهبود شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنها مطرح نمود، دفاع جانانه زرین برگ خاک و خون و حزب پان ایرانیست از قیام و مبارزات دلاورانه کردهای آنسوی مرزهای پوشالی سرانجام باعث جلب حمایت همه ایرانیان و آگاه شدن آنها بر این حقیقت بود که کردها شورشیان شمال عراق نیستند بلکه ایرانیان و بخشی از پیکره جاودانه ملت بزرگ ایران هستند که برای به دست آوردن حقوق انسانی و فرهنگی خود و اعلام وابستگی قطعی خود به ملت بزرگ و تاریخی ایران قیام کرده‌اند قیامی که بر علیه ستم، کشتار و سلب حقوق انسانی اولیه آنها در عراق پوشالی، غیرتاریخی و زاده استعمار انگلیس به پا شده، سرزمینی که اقلیتی کوچک و دست‌نشانده استعمار بر اکثریت ایرانی یعنی کردها و شیعیان آنجا تحمیل گردیده و این اقلیت ستمگر برای ماندن و چپاول بیشتر دو برنامه بیشتر ندارد یکی آنکه همه وابستگان خونی و فرهنگی ملت ایران را دائماً سرکوب نماید و دوم آنکه بمانند خنجری همواره در پهلوی ایران کنونی فرو برود و مانع صلح و آرامش منطقه باشد.

در ادامه این دفاع و روشنگری‌ها بود که به دنبال پیروزی‌های قاطع نظامی کردهای دلاور به رهبری ژنرال ایران‌پرست ملا مصطفی بارزانی و حزب دموکرات کردستان عراق (پارت

دموکرات) در همه صحنه‌های نبرد با دولت نژادپرست و ستمگر حاکم بر بغداد و عقد قرارداد صلح بین آنان که دولت بغداد مجبور شد نوروز را به عنوان یک عید و جشن ملی سراسری بپذیرد و تعطیل رسمی کند و یک معاون کرد برای ریاست جمهوری و ستاد ارتش عراق بپذیرد و حقوق فرهنگی کردها را محترم دارد و هزینه‌های عمران و آبادی کردستان آنسوی مرز را تقبل نماید در سراسر ایران جشن‌ها و اجتماعات وسیع و بزرگ برگزار گردید و سیل تلگرام‌های شادباش به سوی بارزانی‌ها و رهبر ایران‌خواه آنها جاری گردید.

در همین مسیر و قبل از این پیروزی‌ها هیأتی به ریاست سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی آموزگار بزرگ ناسیونالیسم ایران و اندیشمند گرانمایه نهضت که عنوان قائم مقامی رهبر فرزانه حزب پان ایرانیست سرور محسن پزشکپور (پندار) را داشتند و به همراهی شادروان سرور دکتر عباس روح‌بخش و سرور مجید ضامنی از سوی حزب پان ایرانیست به حاجی عمران محل استقرار شادروان ملا مصطفی بارزانی اعزام گردید و ضمن مذاکرات مفصل و استقبال پر شور ایشان و دلاوران کرد از هیأت اعزامی خطوط همکاری‌های آینده دو حزب پان ایرانیست و پارت دموکرات کردستان عراق تنظیم گردید و چنان بود که نمایندگان بارزانی‌ها مرتباً در اجتماعات پان ایرانیستی و کنگره‌های حزبی شرکت می‌کردند و پیام‌های مهر و دوستی خویش را پیشکش می‌نمودند، در همان مذاکرات بود که ملا مصطفی بارزانی از شاهنشاهی مآداها سخن گفت و اعلام کرد که «هر کجا کرد است آنجا ایران است» و «اگر می‌خواهید فارسی را به درستی یاد بگیرید به کردستان بیایید» و در همین مسیر در جریان انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی ایران به پیشنهاد و اصرار و حمایت شادروان ملا مصطفی بارزانی شادروان شهید سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی اندیشمند گرانمایه حزب پان ایرانیست از مهاباد کاندیدا شدند و به مجلس راه یافتند.

«خاک و خون» و حزب پان ایرانیست حقوق تاریخی و قانونی و همیشگی ملت ایران در مجمع الجزایر بحرین را آشکار کرد و از ستمی که شیخ دست‌نشانده انگلیس بر ایرانیان و شیعیان آنجا وارد می‌کند پرده برداشت و تلاش‌هایی برای ارتباط و ایجاد روحیه مقاومت در مردم بحرین انجام داد، همچنین در تمام اجتماعات، متینگ‌ها، راهپیمایی‌های پان ایرانیستی، بر حق حاکمیت و مالکیت تاریخی و قطعی ملت ایران بر بحرین تأکید فراوان نمود و حقوق تاریخی ایرانیان را در خلیج فارس و دریای مکران و تنگه هرمز مرتباً بیان نموده و از ایرانیان ساحل‌نشین کرانه‌های جنوبی خلیج فارس دفاع جانانه کرد. در این دوران بود که پیشنهاد اتحادی میان ایران، افغانستان و پاکستان در مرحله اول و سپس با هندوستان به عنوان مردمان هم‌فرهنگ که پیوندهای خونی بسیار دارند به صورت کنفدراسیون مطرح نمود و دیگر پیشنهاد کرد که فرهنگستانی^۱ مشترک میان ایران، افغانستان و تاجیکستان (فارسی‌زبانان و ایرانی‌تباران اسیر شوروی سابق) برای زبان فارسی تشکیل شود که ویرایش و پاسداری زبان فارسی و ایجاد و ترویج لغات جدید فارسی معادل با لغاتی که به مناسبت پیشرفت‌های علمی جهانی و گسترش فن‌آوری‌های نوین پدید می‌آیند پردازد و از اشتقاق زبان فارسی به عنوان یک زبان محوری و مشترک همه ایرانیان پرهیز گردد، در همین مسیر حزب پان ایرانیست پیشنهاد کرد که برای نجات اقتصادی افغانستان که راهی به دریا ندارد بندر چاه‌بهار به عنوان بندری آزاد برای برقراری ارتباطات ریلی و جاده‌ای افغان‌ها به دریا‌های آزاد تعیین گردد که با حداقل هزینه‌ها نسبت به ورود و خروج کالاها اقدام نمایند.

۲۲- در سال ۱۳۴۶ و به هنگام انتخابات مجلس شورای ملی ایران حزب پان ایرانیست با معرفی و اعلام یک لیست ۱۶ نفره از چهره‌های دیرگام حزبی در ۱۶ شهر و حوزه انتخاباتی برای اولین بار وارد عرصه انتخاباتی گردید و طی مبارزات و متینگ‌های انتخاباتی پرشور و

۱. برای آگاهی به سایر نظریات و پیشنهادهای حزب «به جزوه من کشور سربلندی ملت ایران» مراجعه فرمایید.

هیجان که از خاطرات تلخ و شیرین نسل‌های اول، دوم و سوم پان ایرانیست‌هاست، به این ترتیب در ۵ شهر توانست نمایندگانی از سوی مردم آنها و با رأی آنها به مجلس دوره بیست و دوم بفرستد که عبارت بودند از:

۱- سرور محسن پزشکی‌پور (پندار) و بنیان‌گذار و رهبر حزب پان ایرانیست و لیدر فراکسیون پان ایرانیست در مجلس شورای ملی از خرمشهر و شادگان و جزیره مینو، ۲- شادروان شهید سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی^۱ (آژیر) از مهاباد، ۳- سرور دکتر اسماعیل فریور^۲ از رضائیه (ارومیه)، ۴- دکتر فضل‌الله صدر^۳ از شهر قم، ۵- دکتر هوشنگ طالع^۴ از رودسر. ضمناً همگی به طور همزمان برای مجلس مؤسسان سوم که در شهریور ۱۳۴۶ برگزار گردید و طی آن موادی از قانون اساسی ایران تغییراتی پیدا کرد و از جمله به شهبانوی مادر ولیعهد عنوان نیابت سلطنت^۵ تفویض گردید برگزیده شده بودند.

۲۳- در طی دورانی که اولین فراکسیون پان ایرانیستی در مجلس شورای ملی دوره بیست و دوم شکل گرفته بود، پان ایرانیست‌ها با ژرف‌نگری ملی و به اتکای آموزه‌های مکتب ناسیونالیسم ایران و پان ایرانیسم فعالانه و موشکافانه در بحث‌های مجلس شرکت کرده و

۱. شادروان شهید سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی اندیشمند گرانمایه حزب و قائم مقام اول رهبر حزب و آموزگار ناسیونالیسم آگاه ایران.

۲. سرور دکتر اسماعیل فریور متخصص کودکان و از پزشکان مشهور، خدمتگذار و نیک‌نام رضائیه (ارومیه) و آغازگر کوشش‌های پان ایرانیستی در آذربایجان غربی و مسئول تشکیلات حزب در آن دیار و سخنران برجسته و خوش صحبت که درک عمیقی همواره از پان ایرانیسم دارند. ایشان همچنین سابقه یک دوره مسئولیت «مکتب پان ایرانیسم» به هنگام سربازی سرور پزشکی‌پور را دارا هستند.

۳. دکتر فضل‌الله صدر جراح عمومی از انگلستان و قائم مقام دوم رهبر حزب پان ایرانیست و مسئول تشکیلات‌های اروپایی حزب که در حوادث مربوط به استیضاح دولت هویدا پیرامون عملکرد آنها در مورد جزیره بحرین از حزب اخراج گردیدند. دکتر صدر در دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی از کهنه‌کاران به حمایت دولت وارد مجلس شد!

۴. دکتر هوشنگ طالع مسئول سابق دفتر مرکزی حزب در تهران دارای درجه دکترای اقتصاد از آلمان و مسئول ریاست تشکیلات‌های سازمان برنامه و بودجه در استان‌های کشور که اینک صرفاً به کارهای فرهنگی و غیرسیاسی می‌پردازند و تألیفات بسیار و محققانه دارند.

۵. گزیده‌ای از متن سخنان نمایندگان پان ایرانیست در مؤسسان سوم تحت عنوان نگرشی به تاریخ و «در پیرامون شاهنشاهی ایران» توسط من در سال ۱۳۸۸ منتشر گردیده است.

استدلال‌های منطقی و توصیه‌ها و راهکارهای ناسیونالیستی و پان ایرانیستی را نسبت به موضوعات مطروحه و لوایح و طرح‌های گوناگون و به ویژه لوایح بودجه سالیانه و برنامه‌های سه ساله و ۵ ساله مفصلاً بیان می‌کردند و از جمله سخنرانی‌ها و بررسی‌های سروران پزشکپور و شادروان دکتر عاملی تهرانی که گاهی بیشتر از ۹ ساعت و ۱۶ ساعت به طول می‌انجامید و همگی در آرشیو و صورت مذاکرات مجلس در آن دوران و در زرین برگ «خاک و خون» درج گردیده‌اند.

۲۴- در نهم فروردین ماه ۱۳۴۹ که دولت هویدا علی‌رغم تذکرها و هشدارهای مکرر قبلی رهبری حزب پان ایرانیست و لیدر فراکسیون پان ایرانیست در مجلس شورای ملی سرور محسن پزشکپور (پندار) به سطوح گوناگون حاکمیت و نظام آن روز ایران مبنی بر پرهیز از انجام هر گونه اقدامی که مالکیت تاریخی و قطعی ایران را بر جزایر ایرانی بحرین به خطر اندازد متأسفانه گزارشی را در مجلس مطرح کرد و به موجب آن با توافقی که با دولت استعماری انگلستان و سازمان ملل نموده بودند به جای اقدامی اصولی که شرایط را برای بیان آزادانه نظر مردم بحرین و انجام یک فراندوم واقعی فراهم نمایند قرار گذاشته بودند که هیأتی سه نفره برای بررسی خواست مردم بحرین در مورد استقلال یا پیوستن به ایران به آن مجمع الجزایر بروند و غم‌انگیز و تأسفبارتر اینکه شخصی ایتالیایی به نام وینسپیرو گیچاردی به عنوان رئیس هیأت و یک عرب اردنی (کشور دست ساز انگلیس و نیمه مستعمره آن) به عنوان مترجم و یک هنگ کنگی (بندر چینی مستعمره انگلیس) به عنوان منشی که هیچ کدام فارسی نمی‌دانستند برای این مهم برگزیده شده بودند و طبیعی بود که برای پان ایرانیست‌ها و حزب پان ایرانیست به ویژه بنیان‌گذار و رهبر حزب پان ایرانیست سرور محسن پزشکپور (پندار) هرگز قابل قبول نبود که به عنوان نماینده ملت ایران در مجلسی حضور داشته باشند و در برابر تجزیه بخشی دیگر از سرزمین ایرانیان که نهضت پان ایرانیسم حرکت تاریخی خود را به عنوان

عکس‌العمل حیاتی ملت ایران برای پایان دادن به تجزیه‌های خونبار دویست سال گذشته آغاز کرده آن هم مجمع الجزایر بحرین استان چهاردهم کشور که از زمان دولت دکتر منوچهر اقبال به طور سمبولیک دو صندلی خالی به نام مردم آنجا همواره در مجلس شورای ملی ایران وجود داشت ساکت بمانند، به همین دلیل در آن روز تلخ تاریخی حماسه‌ای بزرگ آفریده شد و در برابر حیرت و ناباوری همه عناصر خودباخته و جبون و مزدوران بیگانه و بیگانه‌پرستان سرور محسن پزشکپور دولت هویدا را به خیانت متهم کرده و آن را به دلیل قصور در دفاع از حقوق تاریخی و قطعی ملت ایران و قبول شیوه‌ای برای بررسی نظر واقعی مردم بحرین که عملاً در مسیر خواست و منافع استعمار انگلیس و شیخ جنایتکار و تحمیلی و دست‌نشانده انگلیس‌ها بود استیضاح^۱ نمودند. این اقدام شجاعانه و بسیار خطیر در حال و هوای آن روز جامعه ایران آنچنان برای حاکمین و ایادی آنها و به اصطلاح اوپوزسیون آنها که همواره جز به فرمان بیگانگان و مسیر منافع آنها حرکتی نمی‌کردند و در جریان وقایع سال ۱۳۷۵ نیز همگی ماهیت واقعی و ضد ایرانی خود را نشان دادند ناباورانه بود که هنوز هم بعد از ۴۰ سال با قیاس به نفس خود به جای اعلام قبول قصور و کوتاهی‌شان که عملاً به معنی همداستانی با حاکمیت آن روز و منافع استعمارگران چپ و راست بوده است در تلاش مذبوحانه برای تشکیک در ماهیت استیضاح وطن‌خواهانه و شجاعانه پان ایرانیست‌ها هستند و از هیچ دروغ و پنهان‌کاری دریغ نکرده و شرمنده نیستند و همه دلایل و بهانه‌جویی‌هایشان برای تخطئه جانفشانی‌ها و ایستادگی و ایثار همه پان ایرانیست‌ها در سراسر ایران و رهبری بیدار دل و آرمانخواه سرور محسن پزشکپور و دیگر اندامان فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست فقط و فقط متکی بر درون ناپاک خودشان است و لا غیر....

۱. متن کامل استیضاح و سخنان سرور پزشکپور و سرور شهید دکتر محمدرضا عاملی تهرانی در کتاب «بحرین مروارید یکتای ایران و خلیج فارس و حماسه مقاومت پان ایرانیست‌ها» در سال ۱۳۸۶ توسط من منتشر شد.

۲۵- به دنبال استیضاح شجاعانه دولت هویدا توسط نمایندگان پان ایرانیست در مجلس شورای ملی در روز نهم فروردین ماه ۱۳۴۹، همان شب شماره فوق‌العاده زرین برگ خاک و خون در چاپخانه توقیف گردید و سروران سالمی و فنایی در چاپخانه بازداشت و به زندان قزل قلعه تهران (در محدوده ساختمان وزارت کشور کنونی و بازار میوه و تره‌بار نزدیک آن) منتقل گردیدند و از قضای روزگار شادروان داریوش فروهر نیز به دلیل اعتراض به توطئه جدایی بحرین در همان روزها در اتاق افسر نگهبان زندان مزبور به حالت بازداشت به سر می‌برد و نگارنده هنگامی که دانشجوی پزشکی بودم و برای ملاقات و اعلام پشتیبانی از زندانیان پان ایرانیست به اتفاق گروهی از یاران سازمان جوانان حزب در حوالی بند ۴ قزل قلعه در انتظار نوبت بودم با شادروان شهید سرور پروانه فروهر (اسکندری) همسر ارجمند شادروان فروهر که برای ملاقات همسر، یکه و تنها در آنجا بود آشنا شده و در همان روز از ایشان شنیدم که با دریغ بسیار فرمودند: «اگر ما پان ایرانیست‌ها به جای تفرقه و چنددستگی یکپارچه و متحد بودیم هیچ قدرتی نمی‌توانست حتی این گونه تصور ستم و آزار ما را به مخیله خود بیاورد» روانشان شاد و درود همیشگی همه پان ایرانیست‌ها به آنها و خون پاک به ناحق بر زمین ریخته‌شان (زهی تأسف و درد!...)

۲۶- از صبح روز دهم فروردین ۱۳۴۹ تشکیلات حزب پان ایرانیست و همه دفاتر آن در شهرهای سراسر ایران و به ویژه دفتر مرکزی حزب در تهران با یورش نیروهای امنیتی و شهربانی تعطیل و تابلوهای حزب به پایین کشیده شدند و بسیاری از مسئولین و کوشندگان حزبی به شهرهای دیگر تبعید شدند و بسیاری نیز به زندان افتادند از جمله نمایندگان پان ایرانیست کارگران نساجی شوش و سرور ایران‌پرست و مبارز ناصر درستیان در حالی که به پاهایشان زنجیر زده بودند در زندان آزار بسیار دیدند.

۲۷- حق است و به جا که به تبعید سه تن از سرشناس‌ترین پان ایرانیست‌های فنادر آرمان اشاره‌ای کوتاه نماییم، شادروان سرور مهدی صفارپور^۱ رئیس پیکار با بی‌سوادی استان خوزستان و مسئول تشکیلات حزب در خوزستان از اهواز به قزوین، شادروان سرور رشید کیخسروی^۲ از کردستان به زاهدان و سرور محمد جواد خسروی^۳ از همدان به تهران یاد کنیم.

۲۸- تمام این فشارها و آزاری که بر پان ایرانیست‌ها و حزب پان ایرانیست وارد آمد نتوانست تشکیلات حزبی و مقاومت پان ایرانیست‌ها را که برآمده از دلبستگی و عشق عمیق به سربلندی و نیرومندی همیشگی ملت ایران است درهم بشکند و واحدهای حزبی که کوچکترین آنها به

۱. شادروان سرور مهدی صفارپور چهره درخشان و پیشکسوت حزبی که ریاست کنگره هفتم حزب پان ایرانیست را به عهده داشتند و با رأی نمایندگان پان ایرانیست‌ها در کنگره هفتم سال‌های بسیار عضویت شورایی رهبری حزب پان ایرانیست را داشتند و سال‌ها بعد از تبعید به ریاست دانشسرای راهنمایی تحصیلی تهران، مدیر کل آموزش پرورش استان‌های تهران و خراسان و معاونت وزارت آموزش و پرورش ارتقاء یافتند و بعد از واقعه بهمن ۵۷ و در سال ۱۳۶۴ به اتهام واهی رهبری قیام مسلحانه پان ایرانیستی به اتفاق سرور دکتر ابراهیم میرانی که در آن زمان از جمله معاونان رهبر حزب پان ایرانیست بودند و شادروان سرور دکتر عبدالله افسرپور مسئول تشکیلات گرگان حزب پیش از ۶ ماه زندانی و در این مدت رنج بسیار بردند و شکنجه فراوان شدند چنانچه بعد از رهایی کاهش وزن بسیار داشتند و به بیماری قلبی شدید و نارسایی پیشرفته قلبی مبتلا شده بودند که سرانجام و به دنبال تحمل مشقات زیاد قلبی و جسمانی جان پر اوج خویش را نیز فدای ایران کردند و رهسپار بهشت جاوید گشتند. شادروان سرور مهدی صفارپور همسر بزرگ بانوی پان ایرانیست سرور زهرا غلامپور (صفارپور) دبیرکل کنونی حزب و عضو شورایی رهبری بودند، شادروان صفارپور غیر از آنکه از جمله نویسندگان زرین برگ خاک و خون بود تألیفاتی نیز داشتند که از جمله کتاب آموزش و پرورش تطبیقی و کتاب ناهنجاری‌های کودکانه از جمله آنهاست. روانش شاد...

۲. شادروان سرور رشید کیخسروی، چهره بزرگ و درخشان پان ایرانیستی که خود در کنار بزرگان و پیشکسوتان حزبی اسطوره‌ای عظیم و الگویی کم‌مثال و استوار گام در عشق به ایران و ایرانی و نهضت پان ایرانیسم و سربازی وفادار و نمونه در اطاعت سلسله مراتب تشکیلاتی و به راستی فنادر آرمان بودند، ایشان سالیان بسیار مسئولیت سازمان تأمین اجتماعی در زاهدان را به عهده داشتند و به عنوان مسئول و پایه‌گذار تشکیلات حزبی در استان سیستان و بلوچستان آنچنان درخشیدند و مورد احترام و محبت مردم بلوچ و سیستانی بودند که تشکیلاتی با بیش از هزار پان ایرانیست را با اقتدار اداره می‌کردند و تا سالیان بسیار بعد از واقعه بهمن ۱۳۵۷ ریاست سازمان تأمین اجتماعی زاهدان را تا به هنگام بازنشستگی به عهده داشتند، ایشان چند کتاب ارزشمند در زمینه میراث فرهنگی و تاریخی زیویه (مربوط به دوران مادها) در سقز کردستان تألیف کردند و مبارزه‌ای جانانه بر علیه قاچاق میراث فرهنگی به عمل آورده و حتی جان شیرین و پاک خود را نیز در این راه گذاردند. روانش شاد و راهش پر رهرو باد...

۳. سرور محمدجواد خسروی از پاکبازان طریقت عشق و راستی و از کوشندگان آرمانخواه پان ایرانیست و برادر گرمی سرور گرانقدر احمدعلی خسروی رئیس سنی کنگره چهارم حزب و از چهره‌های وفادار و استوار گام نهضت و حزب که بزرگ خانواده فرهیخته و ایرانخواه پان ایرانیسم هستند و فرزند ایشان هر یک از چهره‌های گرانقدر و ایران‌پرست و آرمانخواه نهضت پان ایرانیسم به حساب می‌آیند.

عنوان نیرو نامیده می‌شود به سرعت در همه جا به زیرزمین‌ها رفتند و به کار تبلیغات اندیشه‌های پان ایرانیستی و آگاه کردن مردم ادامه دادند و از فجایع تجزیه‌های خونبار دویست سال گذشته بر اقوام گوناگون ایرانی و اسارت آنها در واحدهای قلابی دست ساز استعمارگران که حتی به عنوان کشورهای مجزا شکل گرفته بودند و با جعل تاریخ آنها را به دشمنی و ستیز با دیگر ایرانیان برانگیخته بودند سخن‌ها گفتند، شیوه‌ای که هنوز هم از وظایف امروز و فردای پان ایرانیست‌ها و رسالت آنها برای تجدید یگانگی و نیرومندی دوباره همه اقوام ایرانی ادامه دارد و خواهد داشت و به این ترتیب علی‌رغم فشارهای دائمی حاکمیت و همه دشمنان اندیشه‌های ملی و ناسیونالیستی آنچنان گسترشی در تشکیلات حزب پان ایرانیست به وجود آمد که در قبل از انتخابات مجلس دوره بیست و سوم تشکیلات نیرومند و منضبط حزبی آمادگی یافته بود که در بیش از پنجاه حوزه انتخاباتی کاندیدا معرفی نماید ولی به دنبال سرکوب‌های بسیار و ادامه توقیف زرین برگ خاک و خون حزب پان ایرانیست کناره‌گیری خود را از شرکت در انتخابات به دلیل ستم‌های بسیار و قانون‌شکنی‌ها اعلام کرد.

۲۹- به هنگام شروع مبارزات انتخاباتی که امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیرکل حزب حاکم ایران نوین و وزرایش برای برگزاری میتینگ‌ها و سخنرانی‌های انتخاباتی به شهرهای گوناگون کشور می‌رفتند تقریباً در همه جا جوانان پان ایرانیست با پرسش‌های اصولی و منطقی خود درباره مسائل گوناگون جامعه و دلایل مستدل بر غیرقانونی بودن توقیف روزنامه خاک و خون و ممانعت از کوشش‌های آشکار پان ایرانیست‌ها همه آنها را کلافه کرده بودند و به ویژه در اجتماعات دانشجویی در دانشگاه‌ها و دانش‌آموزی همه جا پان ایرانیست‌ها مسئولین حکومتی را دچار دردسر فراوان و نگرانی کرده بودند از جمله مشهورترین این برخوردها به هنگام سخنرانی

هویدا در اهواز رخ داد که دانش‌آموز نوجوانی به نام سرور ناصر آزما^۱ شجاعانه با پرسش‌های خود و شعارهایی مبنی بر تقاضای آزادی روزنامه خاک و خون، آزادی سیاسی مورد ادعای حزب ایران نوین را به سخره گرفت و آن اجتماع را کاملاً به هم زد.

۳۰- به دنبال استیضاح دولت هویدا، در ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۱ کنگره ششم حزب پان ایرانیست که به یاد فداکاری‌ها و ایثار سرور مهندس پرویز ظفری مسئول تشکیلات حزب در اروپا که در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی افشاگرانه پان ایرانیستی در شهر کارلسروهه آلمان با هجوم اعضای کمونیست کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا توسط شخصی به نام اکبر اغراقی مشهور به اکبر مسکوویچ! به وسیله چاقو و پنجه بوکس مجروح و یک چشمشان را از دست داده بودند، به نام کنگره ظفری نامیده شده بود، از روز قبل از تشکیل کنگره مورد هجوم و محاصره نیروهای امنیتی و گارد شهربانی قرار گرفت و چون اتفاقاً با حضور زودهنگام تعداد کثیری از نمایندگان اندامان رسمی حزب در سراسر کشور در محل برگزاری کنگره همراه شده بود به ناچار سرور محسن پزشکپور (پندار) رهبر حزب پان ایرانیست به محل اجلاس کنگره که قبلاً آماده شده بود آمدند و با اعلام شرایط ویژه و اضطراری در همان بعدازظهر تشکیل کنگره ششم (کنگره ظفری) را به طور فوق‌العاده درخواست کردند که با تأیید همگانی باشندگان پان ایرانیست روبرو گردید و اجلاس فوق‌العاده کنگره ششم (کنگره ظفری) با انتخاب شادروان شهید سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی به ریاست کنگره فوق‌العاده و بعد از سخنان ایشان نسبت به تأیید و انتخاب دوباره سرور محسن پزشکپور (پندار) به رهبری حزب پان ایرانیست که توسط گروهی از پیشکسوتان حزبی پیشنهاد گردیده بود رأی‌گیری شد که با حمایت همه‌جانبه پان ایرانیست‌های داخل محل اجلاس و گروه بسیاری که در بیرون محل، پلیس از

۱. سرور ناصر آزما اینک در حدود پنجاه و پنج سالگی همچنان کوشنده‌ای آرمانخواه و وفادار است و پدر یک خانواده ایران‌پرست و پان ایرانیست می‌باشند.

ورودشان جلوگیری می کرد روبرو شد و در حالی که تلاش و توطئه دولت سرکوبگر برای جلوگیری از انتخاب مجدد سرور پزشکیور با شکست مواجه گردید، پان ایرانیست ها در داخل و بیرون محل اجلاس کنگره به طور یکپارچه و با صدای بلند سرود «ای ایران» را صلا دادند. آن شب همه در محل کنگره خوابیدند و فردا صبح که دیگر دستجات حزبی از سراسر ایران به تدریج به محل برگزاری کنگره نزدیک می شدند، با مشاهده نیروهای شهربانی که از ورودشان جلوگیری می کردند، دسته دسته به شعار بر علیه پلیس و دولت هویدا پرداختند و به این قانون شکنی اعتراض کردند، ادامه ازدحام پان ایرانیست ها و تشدید شعارهایشان باعث شد که در همه کوچه ها و خیابان های اطراف محل محاصره شده زد و خوردهای متعددی میان نیروهای گارد شهربانی و عاشقان سربلندی ایران و ایرانی به وجود آید که گروه زیادی مجروح و دستگیر شدند، روز بعد بسیاری از خیابان های تهران شاهد دیوار نوشت هایی بود که نسبت به یورش ناجوانمردانه پلیس به حزب پان ایرانیست اعتراض شده بود، گفتنی است که در جریان زد و خورد پان ایرانیست ها با پلیس ضد شورش جلوه های بسیار از شجاعت و دلاوری و آزادی گری پان ایرانیست ها پدید آمد که از جمله شعارها و درگیری های سرور عزیز سالمی آرمانخواه سرفراز فراموش نشدنی است و همین طور سرشکسته سرور قزلباش نجیب و بردبار که با روی خونین حاضر به ترک محل زد و خوردها نبود.

۳۱- به دنبال انواع گوناگون مقاومت های پان ایرانیست ها و فشاری که تشکیلات به شدت گسترش یافته حزبی به حاکمیت وارد کرد سرانجام در خرداد ماه ۱۳۵۲ زرین برگ خاک و خون در حالی مجدداً انتشار یافت که هزاران نسخه آن به طور اشتراک پیش فروش شده بود.

۳۲- به دنبال علنی شدن کوشش های پان ایرانیستی و انتشار مجدد خاک و خون این پان ایرانیست ها با صلابت بسیار به گسترش اندیشه های رهایی بخش و آزادی طلب پان ایرانیسم در قشرهای گوناگون جامعه پرداختند و تجربه بیش از سه سال تلاش مخفیانه تشکیلاتی را استوار

گام به سوی ایجاد یک رستاخیز عظیم ملی و پان ایرانیستی به کار بردند و به سرعت بسیار در شهرها دفاتر حزبی گشایش یافتند و در هزاران روستای دور و نزدیک کشور شوراهای مشورتی وابسته به روزنامه خاک و خون را که بیان‌کننده و پیگیر خواست‌های گوناگون رفاهی و اجتماعی روستاها بودند و به طور انتخابی از میان خود روستاییان انتخاب شده بودند تشکیل دادند از جمله سروران آصف (غلام حسین) در خوزستان و شادروان حیدرقلی آسترکی^۱ (اشکان) در کردستان شگفتی‌ها آفریدند و قرار بود که پیش از هزار زن و مرد دلاور کرد با لباس‌های محلی خود و بازوبند پان ایرانیستی پیاده آن مسیر طولانی را برای نشان دادن دلبستگی و اطاعت خود نسبت به آرمان‌های پان ایرانیستی و حزب پان ایرانیست و رهبر سرفراز حزب سرور محسن پزشکیور (پندار) از کردستان تا تهران طی نمایند.

۳۳- همه این کوشش‌ها و جانفشانی‌ها به ناگاه با اعلام حزب واحد رستاخیز نقش بر آب شد و حاکمیت به قولی به دلیل نگرانی از حضور قدرتمند پان ایرانیست‌ها در سراسر ایران این اشتباه بزرگ را مرتکب گردید.

حزب پان ایرانیست و رهبر آن سرور محسن پزشکیور (پندار) نزدیک به دو هفته بعد از اعلام تشکیل حزب رستاخیز برای پیوست اجباری به آن مقاومت کردند و علی‌رغم همه فشارهای گوناگون حاکمیت وقت از موافقت خودداری نمودند و سرانجام سرور پزشکیور طی اعلامیه‌ای تاریخی و اشاره به آنکه فرمان اجباری مزبور برخلاف قانون اساسی است از همه پان ایرانیست‌ها و تشکیلات سراسر کشور خواستند که با حفظ موازین تشکیلاتی و انسجام همیشگی حزبی به کانون‌های رستاخیز بپیوندند و در فضای جدیدی که ایجاد شده آرمان

۱. سرور حیدرقلی آسترکی (اشکان) لیسانسیه مددکاری، فرمانده گارد حزب در تهران و فرزند دلاور ایران و ایل بختیاری که سال‌ها ریاست بهزیستی خوزستان را به عهده داشتند و نشریه گرانقدر خلیج فارس را در اهواز منتشر می‌کردند و ناچار شدند به همین دلیل سال‌ها با خانواده و به ویژه همسر ایران‌پرست و مقاوم خود سرور فرشته حاتمی مخفیانه زندگی کنند.

ورجاوند پان ایرانیسم را که «یگانگی و نیرومندی همه ایرانیان» است با اقتدار تمام مطرح کرده و بکوشند که امواج بیداری ملی و آرمانخواهی را به لایه‌های دیگر جامعه انتقال دهند و درفش‌ها و آرنگ‌های حزبی را به منازل خویش منتقل نموده و نگهداری نمایند و چنین بود که پان ایرانیست‌ها با انضباط آهنین خویش و آرمانخواهی کامل علی‌رغم اشک و آه و خشم و اعتراض خود به صدور فرمان مزبور کوشیدند که تشکیلات جدید سیاسی را به کانون‌های پرخروش ناسیونالیستی و پان ایرانیستی تبدیل نمایند و فریاد حق‌خواهی و حق‌جویی خویش را در کانون‌های حزب رستاخیز مطرح نمایند و به این ترتیب بار دیگر به کوشش‌های پنهانی پان ایرانیستی پرداختند و اقدامات خود را به طور هماهنگ و با حفظ سلسله مراتب حزبی پان ایرانیستی ادامه دادند.

۳۴- در انتخابات دوره ۲۴ مجلس شورای ملی بار دیگر ۵ تن از پان ایرانیست‌ها توانستند با رأی بالای مردم به نمایندگی برگزیده شوند و با انضباط و هماهنگی مثل زدن به شاخص‌ترین چهره‌های تأثیرگذار مجلس تبدیل شوند.

۳۵- نمایندگان پان ایرانیست در مجلس دوره ۲۴ عبارت بودند از:

(۱) سرور محسن پزشکیور پندار از خرمشهر

(۲) سرور شهید دکتر محمدرضا عاملی تهرانی از تهران

(۳) سرور مهندس پرویز ظفری از نهاوند

(۴) شادروان سرور دکتر سید حسین طیب از بوشهر

(۵) سرور منوچهر یزدی از اردکان و میبد استان یزد

۳۶- برای آشنایی به عملکرد درخشان نمایندگان پان ایرانیست توصیه می‌شود که به صورت

مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره ۲۴ مراجعه نمایند.

۳۷- به محض تشکیل فراکسیون پان ایرانیست در مجلس شورای ملی، گمانه‌زنی‌های بسیار در مطبوعات کشور درباره احتمال تشکیل یک جناح ناسیونالیست به محوریت پان ایرانیست‌ها مطرح گردید و در جلسات متعددی که میان نمایندگان پان ایرانیست و مسئولین رده بالای حزبی و نمایندگان سازمان جوانان پان ایرانیست از جمله شادروان سرور دکتر ابراهیم میرانی مسئول سازمان جوانان و سرور مهندس فضل‌الله امینی و اینجانب (دکتر سهراب اعظم زنگنه) برگزار گردید به ویژه در آخرین جلسه در اواخر پاییز ۱۳۵۶ که در منزل سرور پزشکپور (رهبر حزب پان ایرانیست) تشکیل شد تصمیمات زیر اتخاذ گردید: ۱- نمایندگان پان ایرانیست با شرکت فعال در جلسات و کمیسیون‌های مجلس و نقد و بررسی لوایح و طرح‌ها و بیان نظرات از دیدگاه ناسیونالیستی و پان ایرانیستی به سوی تشکیل جناح ناسیونالیست در درون حزب رستاخیز و مجلس اقدام نمایند.

۲- به هنگام بحث بودجه که بیشترین فرصت زمانی برای سخنرانی‌ها و بیان مواضع پان ایرانیستی وجود دارد زمینه‌سازی قطعی برای تشکیل جناح ناسیونالیستی به طور صریح فراهم گردد.

۳- اگر نگذارند که جناح ناسیونالیستی در مجلس و حزب رستاخیز با محوریت پان ایرانیست‌ها شکل بگیرد، به تدریج با تدارکات قبلی و آمادگی تشکیلاتی اندامان حزب پان ایرانیست در اوایل فصل تابستان ۱۳۵۷، با اعلام رسمی سرور پزشکپور در مجلس جدایی از رستاخیز و کوشش علنی حزب پان ایرانیست آغاز گردد و به هر قیمتی بعد از آن زمان تحمل فعالیت در دامن حزب رستاخیز را نخواهیم پذیرفت.

به دنبال این تصمیمات کاملاً محرمانه از آنجا که تحرک شدید نمایندگان پان ایرانیست در مجلس باعث شد که زمزمه تشکیل جناح ناسیونالیست اوج و شتاب بیشتر پیدا نماید، ناگهان حاکمیت با اعلام تشکیل دو جناح پیشرو و سازندگی عملاً اقدام برای تشکیل جناح

ناسیونالیست را متوقف ساخت، به همین دلیل با آغاز به کار دولت دکتر جمشید آموزگار و طرح نظرات و برنامه‌های دولت جدید و به ویژه بحث بودجه سال ۱۳۵۶ که پان ایرانیست‌ها نظرات قاطع و مخالفت‌های بسیار خود را با تفکرات حاکمیت جدید بیان داشتند، دکتر آموزگار طی سخنانی در مجلس به جای پاسخ به استدلال‌های مطرح شده و راهکارهای پیشنهادی نمایندگان پان ایرانیست و به ویژه سرور محسن پزشکیور، به کاربردن اصطلاحات ویژه پان ایرانیستی و یاد کردن از سروران و یاران دیرگام نهضت پان ایرانیسم به اعتراض و تمسخر از نقطه پایان آن اندیشه‌ها و عدم وجود سروران دیرگام در آن شرایط اجتماعی یاد کرد و در اینجا بود که بیانیه اعتراضی نسبت به افکار و سخنان دکتر آموزگار نخست وزیر تحت عنوان اینکه ما به اندیشه‌های اهورایی پان ایرانیسم و رهبری نهضت و حزب کماکان وفادار هستیم و همواره استوار گام باقی خواهیم بود به امضای بیشتر از دویست تن از پیشکسوتان و برگزیدگان حزبی به نام یاران دیرگام نهضت و حزب پان ایرانیست رسید و به حضور قدرتمندانه پان ایرانیست‌ها در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی تأکید شد.

به دنبال بیانیه «یاران دیرگام» در حدود فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ و اعتراض‌های علنی پان ایرانیست‌ها به اقدامات دولت در خرداد ماه ۱۳۵۷ سرور محسن پزشکیور (پندار) رهبر حزب پان ایرانیست علناً در مجلس کناره‌گیری خود از حزب رستاخیز و باقی ماندن در سنگر پان ایرانیست را اعلام کردند، موجی از حیرت و ترس نمایندگان مجلس و شگفتی روزنامه‌ها و مجلات و مردم ناآشنا به اعتقادات عمیق پان ایرانیستی و استوار گامی رهروان نهضت اهورایی پان ایرانیسم را برانگیخت و هنگامی این شگفتی و حیرت بیشتر شد که حمایت علنی و قاطع سروران منوچهر یزدی، مهندس ظفری و شادروان دکتر سید حسین طبیب از اعلام نظر سرور پزشکیور آشکار گردید و ناگهان امواج خروشان اعلام وفاداری پان ایرانیست‌ها و تشکیلات حزبی سراسر کشور را فراگرفت.

۳۸- این خیزش متهورانه و ایران پرستانه پان ایرانیست‌ها هرگز به مفهوم اعتقاد آنها به گرایش‌های براندازانه نظام نبود زیرا که همیشه منظور حزب پان ایرانیست از بیان شجاعانه نظرات و پیشنهادات و راهکارهای فکری و اجرایی صرفاً اصلاح و دگرگونی و تکمیل بیشتر نظام اجتماعی، تاریخی و سیاسی و فرهنگی کهن سال ایرانی آن هم با استفاده از مجلس و نهادهای قانونی وقت بود و سرنگونی آن را نه تنها به صلاح آینده ملت ایران بلکه در مسیر خواست همیشگی دشمنان ملت بزرگ ایران و درهم شکستن اقتدار ملی ایرانیان می‌دانست.

۳۹- در دولت‌های شریف امامی و ارتشبد ازهارى سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی (آژیر) به ترتیب به وزارت اطلاعات و جهانگردی و سپس وزارت آموزش و پرورش رسید و سرور مهدی صفارپور به اصرار شدید و تکلیف سرور دکتر عاملی به معاونت آموزشی ایشان یعنی معاونت وزیر آموزش و پرورش برگزیده شد.

۴۰- به دنبال واقعه ۲۲ بهمن ۵۷ و بازگشت آیت‌الله خمینی از تبعید ۱۵ ساله به کشور گروه اقلیت مجلس به رهبری سرور پزشکپور که با حضور نمایندگان فراکسیون پان ایرانیست و گروهی دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی حدوداً ۱۵ نفر می‌شدند در مدرسه رفاه با ایشان ملاقات کردند و سرور پزشکپور هشدار دادند که اگر به ترکیب ارتش دست زده شود و سیستم منضبط و با انسجام آن گسسته شود یقیناً کشور ما مورد هجوم ارتش بعث قرار خواهد گرفت.

۴۱- در پنجم فروردین ماه ۱۳۵۸ سرور محسن پزشکپور (پندار) رهبر حزب پان ایرانیست طی اعلامیه‌ای نقطه نظرهای حزب را پیرامون شکل و محتوای حکومت آینده اعلام و بر سه اصل حفظ وحدت ملی، تأمین همبستگی سرزمینی، و اجرای حاکمیت ملی در پهنه سیاست داخلی و خارجی و عدالت اجتماعی تأکید ورزیدند.

۴۲- روز هیجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی اندیشمند گرانمایه نهضت پان ایرانیسم به دست ستمگران تیرباران شد و اموال او که مصادره گردید یک پیکان مدل ۱۳۵۲ و تعدادی کتاب بود.

۴۳- در گردهمایی روزهای ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ پان ایرانیست‌ها ضمن اعتراض شدید به قتل جنایتکارانه بزرگمرد اندیشه پان ایرانیسم شهید سرور دکتر عاملی تهرانی و اعلام اینکه سرانجام پان ایرانیست‌ها انتقام خون آن شهید را خواهند گرفت در بیانیه پایانی گردهمایی خود سرود «ای ایران» را در کنار دیگر سرودهای حزبی به عنوان یکی از سرودهای رسمی حزب و نهضت پان ایرانیسم پذیرفتند، بعد از آن پان ایرانیست‌ها در اجتماعات حزبی و غیرحزبی هر جا که حضور یافتند آنقدر این سرود را صلا دادند که امروز سال‌هاست که این سرود زیبا به سرود ملی ایران تبدیل شده و در هر جا که ایرانیان به هر دلیلی گرد هم می‌آیند به طور دسته‌جمعی و در حالی که همه می‌ایستند خوانده می‌شود.

۴۴- در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۵۸ شورای بزرگ حزب پان ایرانیست با عنوان «اجتماع برای وحدت» در تهران تشکیل و با صدور ۵ قطعنامه درباره مسائل مهم کشور به کار خود پایان داد، در این مراسم بزرگ سرور محسن پزشکپور (پندار) با اعلام اسامی حدود ۶۰ نفر از نام‌داران و پیشکسوتان و یاران وفادار حزبی شورای راینزان رهبری را تشکیل دادند.

۴۵- در تیر ماه ۱۳۵۸ هفته نامه «خلیج فارس» در خوزستان از سوی حزب پان ایرانیست منتشر شد که پس از ۱۶ شماره توقیف گردید و شادروان سرور حیدرقلی آسترکی (اشکان) مدیر و صاحب امتیاز آن روزنامه سال‌ها فراری و زندگی مخفی داشت و مطلبی که باعث آن همه گرفتاری و دردسر شد سرمقاله آن بود که به قلم شادروان آسترکی و با تیتربزرگ در صفحه اول هفته نامه خلیج فارس تحت عنوان «پاسخ به یک آیت‌الله» منتشر گردید.

۴۶- در سال ۱۳۵۸ سرور دکتر عباس روحبخش یکی از معاونان رهبر حزب (که در آن هنگام ۵ نفر بودند) به اتفاق دو تن از افسران میهن پرست عضو حزب پان ایرانیست به اتهام واهی شرکت در تلاشی که از سوی حاکمیت به عنوان «کودتای پان ایرانیستی» معروف شد بازداشت گردیدند و محکوم به حبس ابد شدند. چندی بعد سرهنگ هورایی قضایی سرور حسن مقبل زاده به اتهام دروغ شرکت در کودتای نوژه در حالی که در زندان بود تیرباران گردید و در راه عشق، وفاداری و پایمردی به راه سرفرازی ایران و ایرانی به درجه رفیع شهادت رسید و داغی دیگر بر دل ایرانخواهان گذاشت. شادروان سرور دکتر عباس روحبخش و سرور ناهید سرهنگ خلبان پس از چندین سال رنج و زندان آزاد گردیدند.

۴۷- در تاریخ هفتم مرداد ماه سال ۱۳۸۵ حزب پان ایرانیست طی نامه سرگشاده‌ای به انتخابات مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان اعتراض و نیز تعداد محدود نمایندگان و عدم حضور نمایندگان بخش‌هایی از میهن ایرانیان از جمله کردستان را غیرقابل قبول خواند.

۴۸- به هنگام تصویب اصل ۱۳۸ قانون جمهوری اسلامی که سرزمین ایران را جزو لاینفک وطن امت اسلامی اعلام نموده بود؛ رهبر سرفراز حزب پان ایرانیست در تاریخ ششم آبانماه ۱۳۵۸ طی نامه‌ای به مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت با ذکر دلایل و برشمردن خطراتی که در آینده از این بابت به ویژه جنگ با یک کشور مسلمان دچار آن خواهیم شد لغو این اصل را خواستار گردیدند.

۴۹- هنگامی که مجلس مزبور به تغییر پرچم ایران رأی داد حزب پان ایرانیست با صدور اعلامیه‌ای در ۲۲ آبانماه ۱۳۵۸ توسط سرور پزشکپور رهبر حزب حفاظت از نشان شیر و خورشید را به عهده گرفت و اعلام نمود که نشان ملی شیر و خورشید تا هنگامی که مجدداً بر

درفش ملی ایران نقش گردد به درفش‌های حزب پان ایرانیست افزوده می‌شود (روزنامه اطلاعات ۲۳ آبانماه ۱۳۵۸).^۱

۵۰- در سی و یکم فروردین ماه ۱۳۵۸ حزب پان ایرانیست طی اعلامیه‌ای یورش به مراکز آموزشی و اشغال دانشگاه‌ها و مدارس عالی را محکوم و اعلام نمود آن مقامات و کسانی که مسئولیت استقرار حکومت قانون را در کشور دارند خود علیه هرگونه نظم و قانون عصیان کرده‌اند. (این اقدام حاکمیت آغازگر حوادثی شد که به اصطلاح انقلاب آموزشی لقب گرفت و باعث تعطیلی چند ساله دانشگاه‌ها و مدارس عالی شد).

۵۱- به دنبال شهادت خونبار سرور دکتر محمدرضا عاملی تهرانی آموزگار ناسیونالیسم ایران در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ حزب پان ایرانیست به طور همه جانبه دچار فشارهای گوناگون از سوی حاکمیت قرار گرفت تا جایی که خبرها گزارش از صدور حکم تیر برای سرور پزشکپور از سوی صادق خلخالی قاضی دادگاه‌های انقلاب می‌دادند در اینجا بود که شورای معاونان پنج نفره حزب پان ایرانیست برای پیشگیری و پرهیز از خطرات احتمالی، به سرور محسن پزشکپور رهبر حزب اصرار و سپس تکلیف کردند که میهن را ترک نمایند، به این ترتیب ایشان ابتدا به زندگی مخفیانه پرداختند و سرانجام در سال ۱۳۵۹ سرور پزشکپور و گروه رهبری کننده حزب به ناچار به تبعید خود خواسته و مهاجرت از ایران اقدام کردند و به یاری کردهای پان ایرانیست و عاشق ایران و ایرانی از مرزها گذشتند و سرانجام در پاریس استقرار یافتند.

رهبر حزب، سرور محسن پزشکپور (پندار) که در واقع این مهاجرت اجباری را برای کاهش فشار بر همه پان ایرانیست‌ها پذیرفته بودند از آن پس صراحتاً اعلام کردند که حزب پان

۱. برای ثبت در تاریخ و قدرشناسی از ایرانخواهان شجاع و مبارز و پاکباز که در صفوف دیگر احزاب قرار داشتند یادآوری می‌کنم که شادروان هادی سپهر رهبر حزب آریا نیز به طور همزمان چنین اقدامی را محکوم نمودند و من افتخار می‌کنم که آن بزرگمرد ایران‌پرست و دلاور عمه زاده پدر بزرگوام شادروان دکتر مسعود اعظم زنگنه و از خاندان اصیل و ایران‌پرست سپهر بودند.

ایرانیست دیگر تشکیلات به هم پیوسته و مسئول خاص در ایران ندارد و آنچه که ایشان در اعلامیه‌هایشان بیان می‌دارند گرچه برخاسته از آرمان پان ایرانیسم و به نام رهبر حزب پان ایرانیست است ولی هیچ‌کس به ویژه در ایران مسئول بیان این نقطه نظرات نیست. بدیهی است که پان ایرانیست‌ها گرچه در ظاهر می‌گفتند که تشکیلاتی نداریم ولی به شیوه کهن خویش که همواره کانون‌های خانوادگی را به هنگام بحران‌های شدید و اموج خروشان سرکوب میهن‌پرستان به هسته‌های تشکیلاتی تبدیل می‌کردند، این بار نیز با بازگشت به سنگرهای خانوادگی و برگزاری دیدارها و ارتباطات حزبی در پوشش خانواده‌های پان ایرانیستی و سفرهای دسته‌جمعی خانواده‌ها برای دیدار هم در نقاط گوناگون کشور پیوندهای عاطفی و رسمی خود را ادامه دادند و در همین مسیر، مجالس شاهنامه‌خوانی بسیار در سراسر ایران برگزار گردید که به کانون‌های فعال حزبی و گسترش تشکیلاتی تبدیل گردیدند.

۵۲- با وقوع حمله عراق به ایران حزب پان ایرانیست به اتکاء درک عمیق خویش از ناسیونالیسم آگاه ایران زمین و الهام از آرمان‌های فخیم پان ایرانیسم موضعی متفاوت با بقیه نیروها و گروه‌های به اصطلاح اپوزیسیون جمهوری اسلامی اتخاذ و حمله عراق را شدیداً محکوم کرد و بسیاری از پان ایرانیست‌ها بر پایه همین اصول از سراسر ایران به سوی جبهه‌های جنگ برای دفاع از میهن به حرکت درآمدند و در قالب نیروهای نامنظم، نیروهای ارتش و سپاه و بسیج با نثار جان یا تندرستی خویش با متجاوزان جنگیدند و سرور پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست به جای جمله جنگ تحمیلی حاکمیت، عنوان «دفاع مقدس ملت ایران» را مطرح کردند که پذیرش اجتماعی گسترده‌ای یافت و در همین راستا، دو کتاب «جنگ در خلیج فارس» و «تجاوز و دفاع» را در خارج منتشر کردند، سرور پزشکپور طی نامه‌هایی به دبیرکل سازمان ملل متحد و ضمن دفاع از پایداری مردم دلاور ایران و ارتشیان شریف و همه نیروهای مسلح، دلایلی قطعی متجاوز بودن عراق را براساس قوانین حقوق بین‌المللی تشریح کردند.

۵۳- در سال ۱۳۶۴ سه تن از پیشگامان و کوشندگان حزب پان ایرانیست شادروانان سروران دکتر عبدالله افسرپور دکتر ابراهیم میرانی^۱ و مهدی صفارپور به اتهام واهی تلاش برای براندازی مسلحانه بازداشت و بین شش ماه تا چند سال زندانی شدند. (سرور افسرپور تیر ماه ۱۳۶۴، سرور صفارپور ۱۳ مرداد ۱۳۶۴ و سرور میرانی سه ماه بعد بازداشت شدند).

۵۴- در سال ۱۳۷۰ و به دنبال پایان جنگ و دفاع مقدس، سرور محسن پزشکیور رهبر حزب پان ایرانیست بدون تقاضای امان نامه و بدون درخواست عفو و یا نوشتن ندامت نامه که البته دلیلی هم برای این کار نبود، از آن مهاجرت ناخواسته به وطن بازگشتند و حضور ایشان در میان پان ایرانیست ها و دیگر عاشقان ایران به عاملی بزرگ و اساسی برای جوشش مجدد و حرکت تشکیلاتی پان ایرانیست ها و حزب پان ایرانیست تبدیل گردید و یاران جوان و دیرگامان پروانه وار به گرد شمع وجود آن عاشق بزرگ ایران و بنیان گذار مکتب پان ایرانیسم آمده و کوشش های هسته های خانوادگی حزبی را متراکم تر و گسترده تر کردند.

۱. چهره فنادر آرمان شادروان سرور دکتر ابراهیم میرانی وکیل پایه یک دادگستری که از دوران دبستان به حزب پان ایرانیست پیوستند و بارها برای دفاع از حق و راستی یعنی پان ایرانیسم زجر و زندان و شکنجه را تحمل کردند یکی از مفاخر پان ایرانیست هستند که لحظه لحظه زندگی را در راه پان ایرانیسم و عشق عظیم به ایران و ایرانی گذراندند و مدارج حزبی را در اهواز و رامهرمز و تهران گام به گام با صلابت و پاکی طی نموده و به هنگام دانشجویی مسئولیت پر افتخار سازمان جوانان حزب پان ایرانیست در تهران را به عهده داشتند و من افتخار شاگردی آن مبارز پاکباز و فنادر آرمان را داشتم و پان ایرانیسم را در قول و عمل ایشان با گوشت و پوست خود دریافتم و دلباختم، ایشان بعدها به عضویت شورای راینزان رهبری حزب پان ایرانیست و معاونت حزب (یکی از ۵ معاون رهبر حزب) رسیدند و در فرصت دوران مهاجرت اجباری گروه رهبری حزب در حالی که فوق لیسانس حقوق دانشگاه تهران بودند موفق به اخذ درجه دکترای حقوق از دانشگاه پاریس شدند و با بازگشت به ایران به یکی از اقطاب بزرگوار حزب پان ایرانیست و مورد وثوق پان ایرانیست ها و عاشقان ایران تبدیل گردیدند و بعدها در کنگره هفتم به عضویت شورایی رهبری و ریاست کنگره های هشتم و نهم حزب رسیدند و تا هنگام درگذشت در ۲۸ دی ماه سال ۱۳۸۸ عضویت شورایی رهبری و مسئولیت تشکیلات قدرتمند خوزستان را به عهده داشتند و تشیع پیکر پاک ایشان در اهواز که با حضور هزاران نفر از پان ایرانیست ها و دیگر عاشقان بزرگی و یگانگی اقوام ایرانی در حالی که با پرچم شیر و خورشید پوشش داده شده بودند و با به اهتزاز درآمدن پرچم های پان ایرانیستی و پرچم سه رنگ شیر و خورشید ایران به انفجاری خبری در رسانه های جهان تبدیل گردید زیرا که پرچم سه رنگ شیر و خورشید ایران بعد از بهمن ۵۷ اولین بار بود که با این چنین شکوهی در داخل ایران به اهتزاز درآمد روانش شاد و راهش پر رهرو باد.

۵۵- سرور پزشکیپور (پندار) هنگامی به ایران آمدند که پروانه وکالتشان لغو (ممنوع الشغل)، ممنوع الخروج و ممنوع المعامله بودند و اموال شخصی ایشان و حتی ارثیه پدریشان هم از سوی نهادهای انقلابی ضبط و به فروش رسیده بود (سهم الارث ایشان طبق فرمان ۸ ماده‌ای امام).

۵۶- در بهمن ماه ۱۳۷۶ کنگره هفتم حزب پان ایرانیست به ریاست شادروان سرور مهدی صفاریپور تشکیل گردید و اداره حزب به شورای عالی رهبری هفت نفره مرکب از سروران دکتر سهراب اعظم زنگنه، دکتر عبدالرضا باستانی، قدرت‌الله جعفری، شادروان مهدی صفاریپور، مهندس سیدرضا کرمانی، شادروان دکتر ابراهیم میرانی و منوچهر یزدی واگذار گردید و بعدها به سبب درگذشت شادروان مهدی صفاریپور، سرور اسماعیل رحیمی نفر اول ۷ نفر علی البدل منتخب کنگره هفتم و مسئول تشکیلات حزب در آذربایجان غربی و کردستان جایگزین ایشان گردید، کنگره هفتم ضمن قدردانی عمیق پان ایرانیست‌ها از رهبری‌های خردمندانه سرور محسن پزشکیپور (پندار) در سال‌های دراز رهبری حزب، عنوان «پیام‌آور و نخستین سرباز نهضت پان ایرانیسم و رهبری نهضت پان ایرانیسم» برای همیشه را برای ایشان اعلام نمود.

۵۷- از اسفند ماه ۱۳۷۶ مهندس سید رضا کرمانی با تصویب شورایی عالی رهبری به عنوان دبیر مسئول شورایی رهبری برگزیده و مسئولیت اجرایی امور تشکیلاتی حزب را به عهده گرفتند.

۵۸- از فروردین ماه ۱۳۷۷ نشریه داخلی حزب پان ایرانیست به نام «ضد استعمار» آغاز به انتشار نمود و تاکنون به گونه‌ای منظم هر ماهه منتشر و از طریق اینترنت نیز در معرض دید ایران‌دوستان قرار می‌گیرد. این نشریه از شماره ۴۲ با نام «حاکمیت ملت» منتشر می‌شود.

۵۹- در آذر ماه ۱۳۷۷ هنگامی که حزب پان ایرانیست به مناسبت ۲۱ آذر روز نجات آذربایجان (روز گریز اهریمن) به روال همه ساله اعلامیه‌ای منتشر کرده بود سرور آریو برزن

قیاسیان (دانشجو) به هنگام پخش آن اعلامیه در دانشگاه‌های تهران بازداشت و پس از پانزده روز با وثیقه پنج میلیون تومانی آزاد و در دادگاه ابتدا به دو سال حبس تعزیری و سه سال زندان تعلیقی و سپس در دادگاه تجدید نظر به پنج سال حبس تعلیقی محکوم و از دانشگاه اخراج گردید.

۶۰- پس از حوادث تیر ماه ۱۳۷۸ دانشگاه تهران و صدور چند اعلامیه به حمایت از دانشجویان و محکوم نمودن آمران و عاملان حمله به کوه دانشگاه سه تن از اعضای شورایعالی رهبری سروران قدرت‌الله جعفری، حسین شهریاری و مهندس سید رضا کرمانی در خانه‌های خود بازداشت و پس از دو ماه زندانی شدن در بازداشتگاه‌های توحید و اوین که بخش بسیاری از آن مدت به صورت انفرادی بود با قرارهای وثیقه ده میلیون تومانی آزاد گردیدند و هنوز به این دلیل در انتظار محاکمه به سر می‌برند! ضمناً سرور استاد قدرت‌الله جعفری را از ادامه تدریس در دانشکده منع نمودند. در همان هنگام سرور ناصر بهمن یاری از فرهنگیان آزاده و ایران‌پرست حزب پان ایرانیست در نور آباد ممسنی به سبب توزیع اعلامیه‌های حزب بازداشت و پس از مدتی زندانی شدن با وثیقه آزاد ولی مجبور به بازخرید شدن از آموزش و پرورش گردیدند.

۶۱- در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ هشتمین کنگره حزب پان ایرانیست که در تهران و در یک محل بسته (که امروز به نام دفتر مرکزی حزب و پایگاه سیاوش فعال است) با حضور حدود دویست و پنجاه نفر از نمایندگان اندامان رسمی حزب تشکیل گردیده بود در سومین ساعت برگزاری کنگره به محاصره مأموران انتظامی و امنیتی درآمده و تهدید نمودند که می‌بایستی به اجلاس کنگره خاتمه داده شود و محل را ترک نمایند در غیر این صورت به محل کنگره حمله خواهند کرد، به ناچار به پیشنهاد شادروان سرور دکتر ابراهیم میرانی ریاست کنگره هشتم،

کنگره اضطراراً به ابقای شورایعالی رهبری قبل رأی داده و نیمه کاره به کار اجلاس خود خاتمه داد.

۶۲- در اسفند ماه ۱۳۷۹ در تظاهراتی که به عنوان اعتراض به ادعاهای واهی امارات در مورد جزایر همیشه ایرانی ابوموسی (گپ سبزو) و تنب بزرگ و تنب کوچک در خلیج فارس در برابر سفارت آن کشور توسط حزب پان ایرانیست و با اطلاع قبلی به وزارت کشور برگزار شده بود پنج تن از جوانان و دانشجویان پان ایرانیست به نام‌های سروران آرش کیخسروی، آرش صفارپور، علیرضا بوربور، کاوه شهریاری و سیروس اسدی بازداشت و پس از دو روز آزاد گردیدند.

۶۳- در شهرهای ارومیه، اصفهان، بروجرد، خرم آباد، کرج، تهران، اهواز، گرگان، سیاهکل و غیره به مناسبت‌های مختلف مسئولان و فعالان حزب پان ایرانیست احضار و مورد بازجویی و فشار قرار گرفتند و غالباً از آنها خواسته می‌شود که ارتباطشان را با حزب قطع کنند و از جمله در سیاهکل سرور میرزایی پان ایرانیست قدیمی را به جرم توزیع نشریه ضد استعمار پانزده روز بازداشت و با محکومیت یکسال حبس تعلیقی آزاد کردند.

۶۴- در چند ماه آخر سال ۱۳۸۰ تمام اندامان شورایعالی رهبری حزب پان ایرانیست و سرور محسن پزشکپور پیام‌آور نهشت پان ایرانیسم به دادگاه شعبه ۱۴۱۰ به ریاست قاضی سعید مرتضوی احضار و با وثیقه‌های پنجاه، چهل، سی، بیست و ده میلیون تومانی آزاد گردیدند.

۶۵- حزب پان ایرانیست سال‌هاست که از طریق انتشار نشریه داخلی «حاکمیت ملت» و برگزاری کنفرانس‌ها و اجتماعات گوناگون و اعلامیه‌های به موقع در موارد مبتلا به جامعه نقطه نظرهای خود را بیان می‌دارد و به کوشش پیوسته برای بیداری ملی و گسترش اندیشه یگانگی خواه پان ایرانیسم ادامه می‌دهد و از جمله در مخالفت با حاکمیت مدعی دفاع از ارزش‌های

دینی به جدایی کامل دین از حکومت با شعار «دین آری، حکومت دینی نه» اعتقاد جازم دارد و راه برون‌رفت از شرایط دردناک کنونی جامعه ایرانی را به عنوان اولین تشکل سیاسی ایرانی انجام یک همه‌پرسی آزاد ملی به دور از سه عامل زر و زور و تزویر و با نظارت سازمان‌های بی‌طرف سیاسی به ویژه متشکل از دانشگاهیان و حقوقدانان داخلی درباره اصل نظام و استقرار حاکمیت ملی و مردم‌سالاری مطرح کرده است و با طرح شعاری که سال‌ها در روی جلد نشریه داخلی حزب به نام «حاکمیت ملت» وجود داشت تحقق آن را پیگیری کرده است و شروع آن در دی ماه ۱۳۸۰ و از شماره ۴۵ (سال چهارم) به بعد بود.

«همه‌پرسی»

ای آنکه غمین نشسته‌ای سردرگم
پرسی تو ز من راه نجات مردم

تنها ره آزادی ملک و ملت
طرح همه‌پرسی است و یک رفاندم

۶۶- بدیهی است که از زمان بنیان‌گذاری تشکیلات حزبی در ۱۳۲۰، حزب پان ایرانیست برای احقاق حقوق اساسی مردم ایران، اجرای قانون آن هم قانون عادلانه، روشی دموکراتیک و مسالمت‌آمیز و آشکار و شفاف را تاکنون اتخاذ کرده و در آینده نیز ادامه خواهد داد تا آنگاه بتواند که حقوق انسانی و شهروندی همه اقوام ایرانی و یگانگی و سربلندی همه ایرانیان را تحقق بخشد، به امید آن روز

۶۷- در ۱۴ مرداد ماه ۱۳۸۱، در تجمعی در میدان بهارستا سروران بانو صفارپور و بانو شهریاری دستگیر و به مدت ۴۸ ساعت بازداشت می‌شوند و بعد از بازجویی‌های مکرر و تحت سخت‌ترین شرایط با ضمانت آزاد می‌گردند.

۶۸- در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۸۱ کنگره نهم، حزب پان ایرانیست با حضور ۲۷۰ نفر از نمایندگان اندامان رسمی حزب در تهران برگزار گردید و سروران دکتر سهراب اعظم زنگنه، استاد قدرت‌الله جعفری، منوچهر یزدی، شادروان دکتر ابراهیم میرانی، مهندس سید رضا کرمانی، حسین شهریاری و زهرا غلامی‌پور (صفارپور) به ترتیب به عنوان اندامان شورایعالی رهبری جدید برگزیده شدند.

۶۹- اندامان کنگره نهم تنی چند را نیز به شرح زیر به عنوان اندامان علی‌البدل شورایعالی رهبری برگزیدند که به ترتیب عبارت‌اند از:

سرور اسماعیل رحیمی، سرور ابراهیم قیاسیان، سرور خلیل طلایی و سرور مهدی توکلی، ضمناً سروران دکتر میترا خسروی، دکتر حسن کیانزاد، مهندس مهدی ظفری و مهندس ناصر پل نیز از طرف اندامان کنگره به عنوان اندامان علی‌البدل شورایعالی رهبری در خارج از کشور برگزیده شدند و طبق اساسنامه جدید حزب سروران مزبور که در خارج از کشور (در اروپا و آمریکا) ساکن هستند در صورتی که به هر دلیلی شورایعالی رهبری حزب پان ایرانیست نتواند به کوشش‌های خویش در داخل کشور ادامه دهد و یا هر زمان که به مصلحت حزب بداند با اعلام و ابلاغ نظر و دلایل آن به آن ۴ تن، آنان می‌توانند به نمایندگی از سوی شورایعالی رهبری کوشش‌های پان ایرانیستی در داخل و خارج از کشور را هدایت و رهبری نمایند.

۷۰- از جمله مصوبات کنگره نهم که تصویب اساسنامه جدید حزب بود نهادی جدید در حزب پان ایرانیست تشکیل گردید که به عنوان «شورای داوران حزب پان ایرانیست» برای رسیدگی به شکایات اندامان حزبی از یکدیگر یا شکایت مسئولان حزبی و یا اعلام نظر شورایعالی رهبری در مورد عملکرد اندامان حزب و بازتاب مطالب و مشکلات حزبی به شورایعالی رهبری ایفای مسئولیت و وظیفه نماید.

به این ترتیب با رأی اندامان کنگره سروران رسول رازی^۱، مهندس فضل‌الله امینی^۲، دکتر عبدالرضا باستانی^۳، غلام‌حسین آصف^۴ و مسعود جهان‌نما^۵ به عضویت شورای داوران برگزیده شدند و این شورا بعد از شروع کار با انتخاب سرور رسول رازی به ریاست شورای داوران به تنظیم و تهیه آیین‌نامه انضباطی حزب پرداخته و آن را برای تصویب به شوراییعالی رهبری

۱. سرور رسول رازی فرزند آذربایجان و متولد ارومیه که از زمان دانش‌آموزی که از شاگردان سرور استاد قدرت‌الله جعفری مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست در آذربایجان غربی و کردستان بودند به حزب پیوستند و با ارشاد ایشان به دانشکده حقوق راه یافتند و سال‌هاست که به عنوان وکیل پایه یک دادگستری سمت‌های بالایی در قسمت‌های حقوقی وزارت نفت به عهده داشته‌اند و از جمله چهره‌های آرمانخواه، ایران‌پرست و پرهیزکار پان ایرانیستی هستند که قلمی زیبا و شیوا دارند و در کنار همسر گرانقدرشان سرور شهناز حاتمی که از خانواده‌های اصیل و ریشه‌دار پان ایرانیستی در خوزستان می‌باشند خانواده‌ای فرهیخته و ایران‌پرست را سرپرستی می‌کنند.

۲. سرور مهندس فضل‌الله امینی متولد اراک، آغازگر کوشش‌های دانشجویی پان ایرانیستی در دانشگاه علم و صنعت کنونی (هنر سرایعالی تهران) بودند و پس از فارغ‌التحصیلی و استخدام در کارخانه آلومینیوم سازی اراک و عهده‌دار شدن مسئولیت تشکیلات حزبی در اراک، اراک به یکی از قطب‌های پان ایرانیستی تبدیل گردید و با تشکیل سندیکای کارگران کارخانه مزبور ریاست سندیکا و نمایندگی کارگران و پرسنل کارخانه آلومینیوم‌سازی را به دست آوردند و گام‌های بزرگی در راه گسترش پان ایرانیسم برداشتند، سرور مهندس امینی مترجم زبردست و ورزیده کتاب‌های بسیار در امور مدیریت و از جمله نویسندگان نشریات اقتصادی هستند و در کنار همسر گرانقدر و پان ایرانیست خویش سرور آذر جعفری خواهر سرور استاد قدرت‌الله جعفری قائم مقام دبیرکل حزب پان ایرانیست خانواده‌ای ایران‌پرست و مسئول را اداره می‌کنند.

۳. سرور دکتر عبدالرضا باستانی جراح عالیقدر چشم پزشکی استاد و ریاست سابق دانشکده پزشکی جندی شاپور و از خدمتگذاران پرآوازه و مشهور و محبوب مردم خوزستان، چهره‌ای آرمانخواه، ایران‌پرست و شریف که در کنار همسر بزرگوار و مثال زدنی خویش سرور پری بستر آهنگ که هر دو از دوران دانش‌آموزی به حزب پیوسته‌اند صاحب خانواده‌ای ایران‌پرست و آرمان‌خواه هستند. سرور دکتر باستانی در کنگره هفتم به عضویت شوراییعالی رهبری برگزیده شدند و تا کنگره نهم عضو این شورا بودند و در کنگره نهم به عنوان عضو شورای داوران حزب برگزیده شدند.

۴. سرور غلام‌حسین آصف چهره درخشان و ایثارگر و منضبط پان ایرانیستی که همواره الگویی ارزشمند برای باران خود بوده‌اند و اخیراً به دنبال درگذشت شادروان سرور دکتر ابراهیم میرانی به جانشینی ایشان و مسئولیت تشکیلات حزب در سراسر خوزستان برگزیده شده‌اند، سرور آصف (به مانند دیگر بستگان و خاندان محترم و ایران‌پرست آصف، از جمله سرور رجبعلی آصف پیشکسوت عارف و وارسته پان ایرانیست و شادروان سرور محمدعلی آصف که خدایش بیامرزد) دریایی از عشق پاک و ایرانخواهی است و خانواده‌ای ایران‌پرست و شایسته را تربیت کرده‌اند و به واقع آتشفشانی پان ایرانیستی هستند، اینجانب خاطره میتینگ بودند هرگز فراموش نخواهم کرد.

۵. سرور مسعود جهان‌نما لیسانسیه کتابداری و فوق لیسانس حقوق، و وکیل دادگستری که از زمان دانش‌آموزی به صفوف پان ایرانیستی پیوسته‌اند و همواره به عنوان چهره‌ای فرهیخته، ایرانخواه و پاکدامن و غرقه در ارمان مطرح بوده و هستند، ایشان اندیشه‌ورزی ثابت قدم و وفادار با قلمی زیبا و توانا هستند و همواره نقادی خیرخواه بوده‌اند که آهسته و آرام و پیوسته به راه ایران و پان ایرانیستم گام برداشته‌اند.

ارسال نمودند و شورایعالی رهبری طی چند جلسه و با بررسی بسیار آن را تصویب و تأیید کرده و به آن شورا و یاران حزبی در سراسر کشور و خارج از ایران اعلام نمود.

۷۱- از دیگر مصوبات کنگره نهم تغییر عنوان دبیر مسئول شورایعالی رهبری به دبیرکل حزب پان ایرانیست است که در دومی نشست شورایعالی رهبری جدید منتخب کنگره نهم سرور دکتر سهراب اعظم زنگنه که با بالاترین رأی مجدداً به عضویت شورایعالی رهبری برگزیده شده بودند به پیشنهاد شادروان سرور دکتر ابراهیم میرانی و تأیید شورایعالی رهبری به عنوان اولین دبیرکل حزب پان ایرانیست برگزیده شدند و با پیشنهاد ایشان و تصویب شورا سرور استاد قدرت‌الله جعفری به عنوان قائم مقام دبیرکل انتخاب گردیدند.

۷۲- در ۱۵ شهریور ماه ۱۳۸۴ هنگامی که همه مقدمات برگزاری کنگره دهم در محل دفتر مرکزی حزب (پایگاه سیاوش^۱) از همه جهت فراهم شده و بیش از چهارصد نفر از نمایندگان اندامان رسمی حزب در سراسر کشور و مهمانان به محل برگزاری کنگره هم وارد می‌شدند، هجوم نیروهای امنیتی و انتظامی مانع برگزاری نشست‌های کنگره دهم شد و پان ایرانیست‌ها را به اجبار و زور فراوان از محدوده محل دفتر مرکزی پراکنده کردند و به ناچار طبق تبصره یک از ماده ده اساسنامه حزب مصوب کنگره نهم شورایعالی رهبری و شورای داوران تا تشکیل کنگره دهم و انتخاب اندامان جدید شورایعالی رهبری و شورای داوران جدید موظف و کلف به اجرای وظایف خویش و اداره حزب و کوشش‌های پان ایرانیستی هستند، دبیرکل دکتر سهراب اعظم زنگنه و اندامان شورایعالی رهبری ۵ بار دست به تشکیل و تدارک کنگره دهم به طور علنی و حتی مخفیانه زدند و متأسفانه هر بار با اقدامات بازدارنده حاکمیت روبرو گردیدند.

۱. پایگاه سیاوش با دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست در تهران بعد از درگذشت ناگهانی و غم‌بار و دور از انتظار سرور مهندس (فوق لیسانس) سیاوش صفاریور فرزند فرهیخته و گراندقدر و ایران‌پرست و آرمانخواه بانوی بزرگ پان ایرانیست سرور زهرا صفاریور دبیرکل کنونی حزب به پیشنهاد شادروان سرور محسن پزشکیور رهبر نهضت پان ایرانیسم به یاد ایشان نام‌گذاری شد.

۷۳- در مهر ماه ۱۳۸۷، سرور دکتر زنگنه پس از ۶ سال دبیرکلی حزب که به یاری قائم مقام دبیرکل سرور استاد قدرت‌الله جعفری گام‌های بسیار درخشان در مسیر گسترش حزب و نهضت پان ایرانیسم برداشته بودند استعفا دادند، برخی از کوشش‌های آن دوران عبارتند از: اعلامیه تاریخی با حزب دموکرات کردستان ایران مبنی بر کوشش‌های مشترک و مسالمت‌آمیز و ایرانخواهانه در مسیر استقرار حاکمیت ملی و حقوق شهروندی، گسترش ارتباط با یاران پان ایرانیست در خارج از کشور و تلاش برای تحرک بیشتر و هماهنگ‌تر با شورایعالی رهبری، گسترش تشکیلات حزبی در سراسر ایران، برقراری ارتباط مجدد با حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری جناب مسعود بارزانی فرزند ارجمند شادروان ملا مصطفی بارزانی و رئیس امروز اقلیم کردستان عراق، تماس و ارتباط با گروه‌های حزبی و سیاسی داخلی و رفع بسیاری از شبهات آنها که ناشی از سم‌پاشی‌های دروغین سالیان دراز نسبت به کوشش‌های حزب پان ایرانیست بود، سفرهای متعدد به شهرستان‌ها و ارتباط مستقیم با مسئولین و اندامان و پیشکسوتان پان ایرانیستی، حضور فعال در اجتماعات گونه‌گون دانشجویی و صنفی و سیاسی، برگزاری تظاهرات بزرگ حزبی مجدد در برابر سفارت امارات و بر علیه توهمات شیوخ کوردل آنها، تظاهرات دانشجویی دانشگاه‌ها و برافراشتن درفش گارد حزب پان ایرانیست توسط سرور مهندس کیوان زارعی در دانشگاه تهران و تظاهرات ۱۵۰ هزار نفره مردم ایران‌پرست تبریز در ایل گلی (شاه‌گلی) به دفاع از حقوق ایرانیان در خلیج همیشه فارس و جزایر ایرانی آنکه تجزیه‌طلبان در سایت‌هایشان به صراحت به شکست خود در برابر پان ایرانیست‌ها اعتراف کردند و بهبود ارتباطات تشکیلاتی داخل حزبی و وضعیت مالی حزب با تشویق بیشتر یاران حزبی به پرداخت شهریه و تعهد کمک‌های مالی بیشتر و بسیاری اقدامات دیگر که چهره‌ای درخشان، منضبط، پایداری تشکیلاتی و پویایی اندیشه و حرکت به جلو از حزب پان ایرانیست

به نمایش گذاشته شد که مورد اعتراف دیگر گروه‌های حزبی و سیاسی ایرانخواه و مبارزه می‌باشد.

۷۴- از جمله اقداماتی که دکتر زنگنه و استاد جعفری در دوران ۶ ساله مسئولیت خود انجام دادند:

الف) تشکیل اجلاس رابطین تشکیلات حزب در سراسر کشور بود که ضمن بررسی و گزارش اقدامات حزب، تشریح دیدگاه‌های فکری و تشکیلاتی و آشنایی رابطین حزب در شهرستان‌ها با نظرات و راهبردهای شورایعالی رهبری، همبستگی بیشتر تشکیلاتی سازمان داده شد.

ب) دبیرکل و قائم مقام او با دعوت از پیشکسوتان حزبی شورای رایزنان دبیرکل را تشکیل دادند که نقش مؤثری در تولید فکر و استفاده از تجربیات بزرگ‌تران حزبی داشت. اندامان شورای رایزنان دبیرکل عبارت بودند از سرور دکتر علیرضا طیب شادروان سرور دکتر عباس منطقی، سرور بستر آهنگ (باستانی) سرور فرح مالک (منطقی) سرور احمد نجف‌آبادی شاعر سرور نصرتی سرور بهمن اعظم زنگنه که بعدها سرور زهرا صفارپور نیز از سوی شورایعالی رهبری در نشست‌های شورای رایزنان دبیرکل شرکت کردند.

۷۵- به دنبال استعفای دکتر زنگنه از دبیرکلی حزب، شورایعالی رهبری با اعلام قدردانی بسیار از کوشش‌ها و مدیریت طاقت‌فرسای ایشان سرور زهرا صفارپور (غلامی‌پور) بزرگ بانوی پان ایرانیست که نزدیک به چهل سال در مدارس اهواز و تهران به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشتند را که آخرین سمت حزبی‌شان غیر از عضویت در شورایعالی رهبری و دبیری شورایعالی رهبری، معاونت دبیرکل در امور مالی و اداری حزب بود به دبیرکلی برگزیدند و به پیشنهاد ایشان سرور استاد قدرت‌الله جعفری مجدداً به عنوان قائم مقام دبیرکل حزب مورد تأیید و سپاس شورایعالی رهبری قرار گرفتند.

۷۶- انتخاب سرور زهرا صفارپور به دبیرکلی حزب پان ایرانیست در تاریخ احزاب سیاسی ایران بی نظیر و سابقه است و این نه تنها نشانه شایستگی و توانایی‌های مدیریتی و آرمانخواهانه ایشان است بلکه جلوه حقیقتی است که در اندیشه ورجاوند پان ایرانیسم زنان و مردان ایران از نظر حقوق فردی و اجتماعی کاملاً برابرند و معیار ترقی و پیشرفت هر فرد در حزب پان ایرانیست فقط متکی به آرمانخواهی ایثارگرانه و توان مدیریتی و رعایت اصول انضباطی حزبی است.

۷۷- آغاز کوشش‌های بانوی بزرگ پان ایرانیست سرور زهرا صفارپور در سمت دبیرکلی حزب در عین حال نشانه سپاس مردان پان ایرانیست از عظمت روح و پایداری و ایرانخواهی بانوان و دختران پان ایرانیست و مادران و دختران خانواده‌های پان ایرانیست‌ها است که بیش از ۶ دهه استوار گام در کنار برادران، فرزندان و همسران پان ایرانیست خود لحظه‌ای از ایثار و فداکاری و عشق به ایران غافل نشده‌اند و هسته‌های خانوادگی پان ایرانیست‌ها همواره قوام بخش کوشش‌های آرمانخواهانه حزبی بوده و هست.

۷۸- اینک حزب پان ایرانیست با دبیرکلی سرور زهرا صفارپور و حمایت و تأیید همه جانبه شورایعالی رهبری و انضباط و آرمانخواهی صفوف تشکیلاتی خود چهره‌ای سرافرازتر از همیشه در میان ایرانخواهان و ایران جویان و آزادگان به دست آورده و همچنان به پیش می‌رود.

۷۹- امروز (آبان ماه ۱۳۸۹) شورایعالی رهبری حزب پان ایرانیست که متشکل از پاکان و نیکان و مبارزان برگزیده کنگره نهم هستند تا انتخاب اندامان جدید شورایعالی رهبری توسط کنگره دهم حزب موظف و محق به اداره حزب پان ایرانیست بوده و با همکاری و همراهی همه جانبه با دبیرکل حزب در تلاش برای بهبود هرچه بیشتر فضای کوششی پان ایرانیست‌ها در سراسر ایران هستند و با اتکاء به آرمانخواهی و اصل اعمال تصمیم‌های حزبی و سیاسی با رأی اکثریت اندامان شورایعالی رهبری جلوه‌ای درخشان از یگانگی پان ایرانیستی و تمکین به رأی

آزادانه اندامان شورا به نشانه دلبستگی اصولی به دموکراسی و استقرار حاکمیت ملی را به نمایش گذاشته‌اند.

۸۰- اسامی اندامان اصلی شورایعالی رهبری حزب پان ایرانیست به شرح زیر است:

سرور زهرا صفارپور (غلامی‌پور) دبیرکل، سرور استاد قدرت‌الله جعفری قائم مقام دبیرکل، سرور منوچهر یزدی سخنگوی شورایعالی رهبری، سرور اسماعیل رحیمی مسئول تشکیلات آذربایجان غربی و کردستان، سرور ابراهیم قیاسیان مسئول دفتر مرکزی حزب، سرور دکتر سهراب اعظم زنگنه (دبیرکل سابق حزب)، سرور امیر (خلیل) طلائی^۱

پاینده ایران

یکشنبه ۸۹/۸/۲۳

۱. سرور امیر طلائی متولد ۱۳۲۷ در تهران و در خانواده‌ای ایران‌پرست و پان ایرانیست و بسیار شریف و پاکدامن که دانش آموخته و لیسانس حقوق از دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستند و سال‌ها در سازمان بنادر و کشتیرانی به خدمت مشغول بودند و اینک خود سرپرست خانواده‌ای پان ایرانیست هستند. سرور طلائی ناطقی زبردست و توانا با صدایی پرطنین و دلنشین هستند که همواره بیانگر عشق به انسان‌ها، فرهنگ ایران‌زمین با همه جلوه‌های ادبی و عرفانی، اندیشه‌ای، فلسفی و اخلاق متعالی آن هستند و به واقع اسلام‌شناسی برجسته و حقوقدانی مبارز هستند که جاذبه کلامشان در شنوندگان سحرآمیز است، ایشان صاحب قلم بوده و تألیفاتی گرانقدر در زمینه‌های مذهبی و فرهنگی و غیره دارند.

«ایرانی بیدارشو

و بر ضد تجاوز و نفوذ بیگانگان بسیج کن»

«ایران بزرگ آرمان بزرگ می‌خواهد»

برای یگانگی و سربلندی همه اقوام ایرانی

با حزب پان ایرانیست

به پیش»

نشانی سایت رسمی حزب که تحت نظر شورایی عالی رهبری حزب پان ایرانیست اداره

می‌شود:

www.PANIRANIST.PARTY.ORG

نشانی ما:

تهران، سعادت‌آباد، خ سرو غربی شماره ۱۲۲ دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست (پایگاه سیاوش)

نشست‌های آشنایی با پان ایرانیسم یکشنبه و چهارشنبه‌ها از ساعت ۶ بعدازظهر